

مانند کودکان، فضول و کنجکاو باشید. افراد کنجکاو هرگز کسل نمی‌شوند و در نظر آن‌ها زنده‌گی، مطالعه پایان‌ناپذیر خوشی‌هاست.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار یکصد و چهل و هفتم چهارشنبه ۳ میزان/مهر ۱۳۹۲ ۲۰ ذوالقعدة ۱۴۳۴ ۲۵ سپتمبر ۲۰۱۳

نخستین کنفرانس بین‌المللی مخابرات و فناوری معلومات در کابل برگزار شد



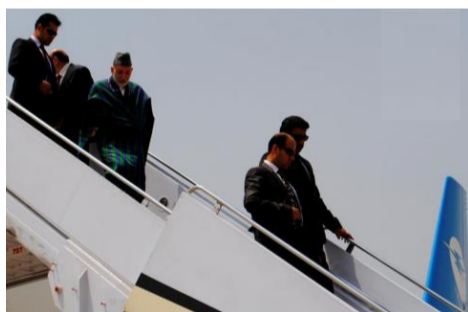
نخستین کنفرانس بین‌المللی مخابرات و فناوری معلومات در افغانستان روز گذشته آغاز شد. سفرا و مقامات بخش مخابرات از کشورهای منطقه در این کنفرانس سه روزه در کابل شرکت کردند. نمایشگاهی از دستاوردهای افغانستان در این عرصه نیز در کنار این کنفرانس برگزار شده است. امیرزی سنگین، وزیر مخابرات افغانستان می‌گوید که هدف آن‌ها از برگزاری این کنفرانس، انتقال تجربه‌ها و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در عرصه مخابرات و فناوری معلوماتی است. **دو میلیارد دالر سرمایه‌گذاری در عرصه مخابرات** محمد کریم خلیلی، معاون دوم رئیس جمهوری افغانستان در مراسم آغاز کنفرانس بین‌المللی مخابرات و فناوری... **ادامه صفحه ۶**

اختلاف بر سر نتایج نشست علمای جهان اسلام در کابل



صفحه ۶

بررسی دلایل سفر رئیس‌جمهور کرزی به چین



کرزی ترجیح داد که از رفتن به این سفر منصرف شود. او تاکید کرد، حامد کرزی با استفاده از فرصت‌ها به خاطر کمپاین به نفع تیم مورد نظارش و زد و بندهای سیاسی‌یی که در این روزها زیاد دیده می‌شود، خواستند که یک تیر را به کمر بند امنیتی اتحاد انتخاباتی و یکی را هم بسوی خارجی‌ها که به نظر برخی افغان‌ها... **ادامه صفحه ۶**

می‌خواهد به امریکا بفهماند که ابر قدرت‌های دیگری مانند چین و روسیه نیز وجود دارند که به افغانستان اهمیت می‌دهند. این آگاه سیاسی هدف حامد کرزی از این سفر را هشدار به امریکا تلقی کرده گفت، حامد کرزی با انجام این سفر می‌خواهد به امریکا بگوید که اگر با من مخالفت کنید، پای چین و روسیه را نیز در افغانستان دخیل می‌کنم. وی اضافه کرد، از طرف دیگر چین دوست نزدیک پاکستان است؛ بنابراین حامد کرزی با این سفر می‌خواهد به پاکستان هم بفهماند که پاکستان و افغانستان دوست مشترک دارند. او همچنان گفت، دلیل دیگر سفر رئیس‌جمهور کرزی به چین شاید حمایت این کشور نسبت به سرمایه‌گذاری در افغانستان باشد. در همین حال، سعیدی علت عدم حضور کرزی در این اجلاس را مسأله انتخابات دانسته گفت، با توجه به شرایط حاد سیاسی کشور و کمپاین‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور کرزی با سفر به چین می‌خواهد برای ایالات متحده امریکا تفهیم کند که اگر آن‌ها از نامزد مورد حمایت او پشتیبانی نکنند، او پای روسیه و چین را به این موضوع خواهد کشانید. شماری از آگاهان سیاسی با اظهار این مطلب می‌گویند، رئیس‌جمهور کرزی می‌خواهد به امریکا بگوید که ابر قدرت‌های دیگری نیز وجود دارند که برای افغانستان اهمیت قابل‌اند. در همین حال، این آگاهان سیاسی دلیل عدم حضور رئیس‌جمهور کرزی در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد را چانه‌زنی‌های انتخاباتی می‌دانند. احمد سعیدی آگاه مسایل منطقه دلیل سفر حامد کرزی به چین را نا رضایتی وی از امریکا می‌داند. او می‌گوید، در این روزها رئیس‌جمهور کرزی دل خوشی از امریکا ندارد و از سوی دیگر، چین و روسیه هم علاقمندی نسبت به حضور امریکا در افغانستان ندارند؛ بنابراین کرزی

در نشست علمای جهان اسلام تأکید شد: علما سکوت‌شان را در قبال جنگ جاری در افغانستان بشکنند



را پیچیده کرده و زمینه را برای دخالت کشورهای خارجی فراهم کرده است. کرزی ابراز امیدواری کرد در پایان این نشست، نتایج قابل ملاحظه‌یی به دست آید تا زمینه صلح در افغانستان فراهم شود. دبیرکل سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی نیز بر ضرورت همکاری کشورهای اسلامی برای... **ادامه صفحه ۶**

رئیس شورای عالی صلح روز گذشته در نشست علمای جهان اسلام که در کابل برگزار شد، بر لزوم همکاری کشورهای اسلامی برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان تاکید کرد. صلاح الدین ربانی روز گذشته در این نشست گفت: افغانستان توقع دارد کشورهای اسلامی به صورت جدی با افغان‌ها همکاری کنند تا زمینه مذاکرات مستقیم میان طرف‌های درگیر جنگ فراهم شود. وی با بیان اینکه علمای اسلامی در قبال جنگ و خشونت در افغانستان سکوت کرده اند، تصریح کرد با توجه به نقش علمای دینی در جامعه اسلامی، این نشست از اهمیت خاصی برخوردار است و علما باید دیدگاه‌ها و نظرات خود را به صورت صریح بیان کنند. رئیس‌جمهور کرزی نیز با ارسال پیامی به این نشست اعلام کرد، جای تأسف است که در جنگ کنونی، قاتل و مقتول هر دو خود را مسلمان می‌خوانند که این مسأله، وضعیت

پوتین: با خروج ناتو اوضاع افغانستان بدتر می‌شود



ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در سخنرانی خود در نشست سازمان پیمان امنیت جمعی تاکید کرد که روسیه و هم‌پیمانانش به تاجیکستان کمک مشترک اضافی ارائه خواهد کرد تا پس از خروج اکثر نظامیان خارجی در سال ۲۰۱۴ از افغانستان، از مرز مشترک این کشور با افغانستان حراست کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز، پوتین با تاکید بر نگرانی‌ها مبنی بر اینکه خشونت ممکن است... **ادامه صفحه ۶**

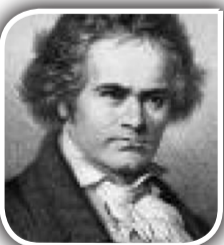
در برگ‌ها



روزهای
سرنوشت
ساز
انتخابات را
دریابید!



۱۰ مکانی
که به زودی
از کره زمین
محو می‌شوند



تجربه
زیباشناختی
و آموزش
موسیقی



پیامدهای
کشتار غیر
نظامیان

حلیمه حسینی

روزهای سرنوشت ساز انتخابات را دریابید!

گروه بیشتر سازند. ولی تعجب آور این که: اگر قرار است ائتلافی باشد و نامزدی مشترک از درون این تیم بیرون بیاید، چرا هنوز هر کدام به دنبال این هستند که از کسب منافع بازار انتخابات، عقب نمانده و به نسبت تقاضای بازار گرماگرم انتخاباتی، طرحی و اندیشه‌یی هرچند غافل گیرکننده را به میان آورند؛ یکی وفای به ائتلاف را به تست شانسش مستقیماً برای تصاحب این منصب، و دیگری ممکن است به رضایت دادن به نامزد شدن به معاون اولی و یا معاونت دومی یکی از قوی ترین نامزدان جناح حریف و یا حتا دریافت بکسی پُر از اسکناس‌های سبز و یا هر احتمال وسوسه‌انگیز دیگری که منفعتی کلان را به تصویر بکشد.

همه این‌ها احتمالاتی‌اند که در افکار عمومی تبارز یافته و قابل ارزیابی می‌باشند، و اما وقتی جالب توجه می‌شوند که از سوی کسانی این حرکت‌ها را شاهد باشیم که ائتلاف و توافق کرده‌اند که با هم به یک نقطه نظر مشترک برسند. حال باید دید که در این اتحادها و ائتلاف‌ها، چه کسانی به ریاست و چه کسانی به معاونت دل خوش خواهند کرد.

جناب آقای رییس‌جمهور هم که نشست سالانه سازمان ملل را به حال خود وا گذاشت تا نشان دهد که تا چه حد مسایل داخلی برایش مهم‌تر است از آن‌چه در این نشست خواهد گذشت. اما صد البته باید این پرسش مطرح شود که اگر جناب آقای کرزی می‌توانست برای دوره‌ی دیگر وارد میدان رقابت برای حفظ قدرت شود، باز هم به این سفر تا این حد بی‌توجه باقی می‌ماند؟

به هر حال آن‌چه مسلم است این است که این شب و روزها کسانی که به اصطلاح وزنی دارند و دست‌کم برای جمع کردن چندین هزار کارت رأی‌دهی مشکلی ندارند و با محبوبیت یا با خرید کارت‌ها قادر به تأمین آن می‌باشند، بسیار محتاطانه وارد بازی شده‌اند و سرگرم چانه‌زنی بر روی قیمت‌ها و دستاوردهای آینده‌اند. در روزهای باقی مانده، تکلیف ائتلاف‌ها و اتحادها نیز اجباراً با اعلام رسمی موضع و نامزدشان، مشخص خواهد شد و بدون شک این بار اگر شکاف و گسلی میان اتحادها و همگرایی‌هایی که به نام انتخابات و برای بهتر مدیریت شدن آن



به نظر می‌رسد این گروه احتمالاً پنجاه و چند نفری، با ترکیب و هیأتی متفاوت رخ خواهند نمود. گروهی هنوز وارد میدان نشده، از پس شرایط برنخواهند آمد و عطای این منصب را به لقایش خواهند بخشید و بسته‌ها را پس خواهند فرستاد. گروه دیگری هم هستند که نیازمند فرصت بیشتری هستند تا پایگاه مردمی خود را یک بار دیگر محک بزنند و بدانند که تا چه حد در فضای سیاسی امروز، وزن و رنگ دارند. کار این گروه دشوار است، اما تجربه ثابت کرده که دیگر بی‌حساب و کتاب وارد میدان شدن، جز ضرر حاصلی نخواهد داد. گروهی هم در این میان، کاسب‌کار و بازاری اند، بدین معنا که سیاست برای آن‌ها چیزی جز راهی برای کسب سود بیشتر نیست. پس به‌راحتی با پیشنهادهای دندان‌گیری که بتواند

سرانجام سکوت شکست و کسی عملاً قدم به میدان گذاشت؛ تاجری که هوای سیاست به سر دارد، توانست تکلیف را زودتر از دیگران با خود یک‌سره کند و نخستین کسی شود که رسماً اعلام نامزدی می‌کند آن‌هم درست در فضایی که بحث و جدل بر روی این‌که چه کسی وارد میدان مبارزه انتخاباتی خواهد شد، به شدت جریان داشته است.

از بیش از ۵۰ نفری که بسته‌های معلوماتی را گرفته‌اند، هنوز فقط یک نفر عملاً برای ثبت نام آمده است. پرسش این است که پنجاه و چند نفر دیگر چه می‌کنند؟ پرسش این است که گرفتن بسته‌های معلوماتی که مقدمه‌یی برای ثبت نام در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری است، آیا تعداد نامزدان را هم مشخص خواهد کرد؟

بدون شک هستند کسانی که نتوانند از عهده شرایط نسبتاً سنگینی که برای ثبت نام گذاشته شده است، برآیند؛ اما نکته این‌جاست چرا کسانی که برای آن‌ها تهیه یک میلیون افغانی یا صد هزار کارت رأی‌دهی کار ساده‌یی است، مردد اند و نمی‌خواهند نامزدی خود را علنی کنند؟ دو خانمی که بسته‌های معلوماتی را گرفته‌اند و نام‌شان هنوز فاش نشده، با چه برنامه‌یی و با چه پشتوانه‌هایی وارد میدان مبارزه خواهند شد؟

تردید در ثبت نام و علنی شدن نامزدی‌ها در این دوره اگر با دید مثبت نگریسته شود، می‌تواند نشان از نوعی پخته‌تر شدن سیاست‌مداران ما باشد. هرچند کم نیستند کسانی که بخواهند بخت خود را برای تصاحب چوکی ریاست‌جمهوری بیازمایند، اما همه پخته‌تر از آن شده‌اند که این بار بدون حساب و کتاب و برآورد سود و هزینه وارد میدان شوند. همه منتظر نشسته‌اند و جهت‌گیری حریفان احتمالی را رصد می‌کنند و می‌خواهند ببینند که باد به کدام سو وزیدن می‌گیرد.

در روزهای باقی مانده، تکلیف ائتلاف‌ها و اتحادها اجباراً با اعلام رسمی موضع

و نامزدشان، مشخص خواهد شد و بدون شک این بار اگر شکاف و گسلی

میان اتحادها و همگرایی‌هایی که به نام انتخابات و برای بهتر مدیریت شدن آن

به وجود آمده، ایجاد شود، تنها و تنها برنده این میدان، تیم جناب آقای کرزی

خواهد بود که بدون شک این روزها تنها نگرانی‌اش، شکل گرفتن همگرایی‌ها و

اتحادهای واقعی و قدرت‌مندی است که می‌تواند سرنوشت انتخابات را رقم بزند

به وجود آمده، ایجاد شود، تنها و تنها برنده این میدان، تیم جناب آقای کرزی خواهد بود که بدون شک این روزها تنها نگرانی‌اش، شکل گرفتن همگرایی‌ها و اتحادهای واقعی و قدرت‌مندی است که می‌تواند سرنوشت انتخابات را رقم بزند. تیم حاکم می‌خواهد به هر بهانه و ترفند و دستاویزی همگرایی‌ها و اتحادها را بشکند تا ماه‌ها و سال‌های خوش دیگری را پیش روی خود قرار دهد.

برای آن‌ها سود چشم‌گیری را به دنبال داشته باشد، حاضرند با کمال میل بسته‌ها را پس بفرستند و یا حتا بعد از آن نیز به نفع کسی که می‌خواهد پای میز معامله بنشیند، از این رقابت کنار بروند. تکلیف با این گروه روشن است؛ معامله کردن با آن‌ها حساب و کتاب خاص خودش را دارد. اما گنج‌کننده‌ترین گروه آن‌هایی هستند که ائتلاف کرده‌اند و پیش از گرفتن بسته‌های معلوماتی، تعهد نموده‌اند که با تشکیل یک گروه کلان‌تر سیاسی و حمایت از یک نامزد مشترک، احتمال بُرد را برای همه

سخن‌ماندگار

طالبان نصایح علمای اسلام را می‌شنوند؟

«قرآن و اسلام راه‌هایی را که موجب خون‌ریزی و کشتار بی‌گناهان می‌شود، مجاز نمی‌داند. قرآن اجازه نمی‌دهد تا خیلی‌ها به نام دین قتل و کشتار راه بیاندازند. ما هر گونه اعمالی را که موجب کشتار بی‌گناهان می‌شود، در اسلام حرام می‌دانیم و افرادی هم که گپ از اسلام می‌زنند و این‌طور حرکات را دامن می‌زنند و بی‌گناهان را به خاک و خون می‌کشاند، مورد تایید دین مبین اسلام نیستند.»

این صحبت‌ها، بیانات شماری از علمای دینی پاکستان و افغانستان بود که در نشستی زیر نام کنفرانس بین‌المللی علمای اسلام و صلح در کابل برگزار شد. همه روحانیون و دانشمندان دینی که در این نشست اشتراک کرده بودند، اکیداً بیان داشتند که اسلام انجام عمل انتحاری را حرام دانسته و هر آن کسی که به چنین کاری دست می‌زند، مسلمان نیست. برخی از اشتراک‌کننده‌گان این نشست هم چنان از مخالفان مسلح حکومت خواسته‌اند، تا اسلحه بر زمین گذاشته و به پروسه صلح بپیوندند.

با آن‌که این بار نخست نیست که علمای محترم دینی عمل انتحاری را محکوم می‌کنند و فاعل آن را نامسلمان می‌خوانند، اما با این‌همه ما کمتر شاهد کاهش انتحار و انفجار بوده‌ایم. علمای جهان اسلام در مناسبت‌های گوناگونی، حکم دین مبین اسلام را در مورد عمل انتحاری بیان داشته‌اند، مگر از آن‌جایی که جنگ افغانستان یک جنگ دینی نیست و بیشتر یک جنگ استخباراتی است، تأثیرات این نوع روشنگری هم کمتر بوده است.

حتا طالبان در بسا از موارد با علمایی که از موضع حقیقی اسلام پیرامون عمل انتحاری صحبت داشته‌اند، با خشونت عمل کرده‌اند. می‌توان در این زمینه به شهید استاد ربانی اشاره کرد که پس از ایراد سخنان تندوتیزش علیه انتحاریان در کنفرانس بیداری اسلامی، جام شهادت نوشید. یا در نمونه دیگر موضع سرسختانه استاد سیاف را مد نظر گرفت که پس از آن طالبان طرح حمله‌یی را بر جان او ریختند که خنثا شد. همه این شواهد نشان می‌دهند که جنگ طالبان یک جنگ دینی نیست.

سخن اصلی این‌جاست که شماری بنابر ناآگاهی از ارشادات دین مبین اسلام در برابر مردم افغانستان می‌جنگند. آنان اسلام را بهانه قرار داده تا به اهدافشان برسند، شواهد و اسناد زیادی پیرامون این موضوع وجود دارند. بنابراین، می‌توان گفت که تأثیرات ارشادات علمای اسلام خیلی نقشی در تغییر موضع طالبان نخواهد داشت؛ اما این سخن به معنای آن هم نیست که چنین موضع‌گیری‌های هیچ اثر ندارد. بی‌تردید که چنین ارشاداتی، نقش به‌سزایی در روشن کردن اذهان عامه خواهد داشت و حتا بسا از فریب‌خورده‌گانی را که به صفوف طالبان پیوسته‌اند، از همکاری با آنان باز خواهد داشت. اما با آن هم، دراز کردن دست صلح به طالبان اشتباهی ست مکرر که به جز ائتلاف وقت و ادامه کشتار بی‌گناهان، سود دیگری ندارد.

به این معنا که ارشادات علمای جهان اسلام در چنین شرایطی بسیار مهم است و می‌تواند مواضع طالبان را ضعیف سازد اما این پرسش مطرح است که آیا از منظر اسلام صلح با آنانی که خلاف احکام دین مبین اسلام عمل می‌کنند مجاز است؟

طالبان هرگز امر مذاکره را نپذیرفته‌اند و پیوسته جنگ را ترجیح داده‌اند و به تازه‌گی دست به اعمال شنیعی می‌زنند که حتا کفار هم آن را روا نمی‌دارند. در این‌جا می‌توان گزارش امنیت ملی مبنی بر تجاوز جنسی بر افراد انتحاری یاد کرد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی ما نیازمند جست‌وجوی راه‌هایی استیم که می‌توان به کمک علمای دین مبین اسلام به آن دست یافت. تاکید بر مذاکره با گروهی که همواره اعمال خلاف شرع می‌ورزند، اشتباهی است که حکومت آن را مکرراً انجام داده و به یقین تاکید بیشتر بر آن فاجعه‌بار خواهد بود.

نگرانی مسیحیان پاکستان از افزایش حملات تروریستی علیه آنها



دو حمله انتحاری خونین به کلیسای در شمال شرق پاکستان باعث افزایش نگرانی‌ها در میان جامعه مسیحیان این کشور از اینکه موج جدیدی از خشونت افراطیون علیه آنها به راه بیفتد، شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، حملات انتحاری روز یکشنبه گروه عبادت‌کنندگان را در کلیسای در شهر پیشاور پس از پایان مراسم دعا در این کلیسا هدف قرار داد و ۸۲ تن را کشتند.

این حمله مرگبارترین حمله علیه مسیحیان پاکستان در تاریخ این کشور به شمار می‌رود. شالون نظیر، یک نوجوان ۱۴ ساله مسیحی روز یکشنبه آماده می‌شد تا در کلاس انجیل خوانی در این کلیسا ۱۰۰ ساله حضور پیدا کند. اگر چه وی از این حمله جان سالم به در برد اما در یک لحظه مادر، پدر، خواهر، برادر و عمومی خود را از دست داد.

شالون نظیر به خبرگزاری فرانسه گفت: من می‌خواستم به منظور کلیسای انجیل خوانی به کلیسا بروم که صدای انفجار را شنیدم بنابراین به بیرون دویدم. وی در حالی که صدای آندوهگین و چشمانی خیره داشت گفت: حدود ۳۰۰ نفر روی زمین دراز به دراز افتاده بودند. من مادرم را شناختم و در آغوش گرفتم. با این وجود فایده‌ای نداشت و وی کمی بعد در اثر جراحت‌هایش جان باخت.

بسیاری از مسیحیان پاکستان فرزندان اجداد خود که از طبقات پایین جامعه بودند و در زمان حکمرانی انگلیس بر پاکستان به مسیحیان گرویدند هستند. اغلب آنها فقیر بوده و در مشاغل ناخوشایند مشغول کارند. مسیحیان دو درصد از جمعیت ۱۸۰ میلیون نفری پاکستان را تشکیل می‌دهند.

حمله روز یکشنبه نگرانی‌ها درباره تغییر این روند را افزایش داده است.

سلیم هارون، که دو تن از خویشاوندانش در حادثه روز یکشنبه زخمی شدند گفت: با ما مثل گناهکاران رفتار می‌شود ما هیچ زمین، کارخانه و تجارتی نداریم. وی افزود: این یک جنگ جدید است. ما تنها رفتگر و نظافتچی هستیم و با ما بدین شکل رفتار شده است.

با وجود آنکه دولت پاکستان پیشنهاد مذاکرات صلح با طالبان پاکستان را داده بود اما به گفته شهیدالله شهید، سخنگوی تحریک طالبان پاکستان بمب‌گذاری کلیسای مسیحیان تلاشی برای متشنج کردن فضا است.

نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان نیز روز یکشنبه در لندن گفت: دولت وی پس از حمله به کلیسای مسیحیان دیگر نمی‌تواند به مذاکرات صلح ادامه دهد.

اوباما: از ترس زخم سگرت نمی‌کشم!



باراک اوباما گفت که سال‌هاست به لطف همسرش، لب به سگرت نزده است.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا به طور خصوصی در حال گفت‌وگو با یک مقام سازمان ملل بود و به وی گفت که امیدوار است این مقام سگرت را ترک کرده باشد. این گفت‌وگو در دوربین ضبط شده و توسط شبکه سی.ان.ان پخش شد.

پس از آن ظاهراً مقام سازمان ملل از باراک اوباما در ارتباط با سگرت کشیدن خود وی سوال کرد که اوباما در پاسخ گفت که حدود شش سال است لب به سگرت نزده است.

اوباما افزود: از ترس واکنش‌های همسر سگرت نمی‌کشم. رئیس‌جمهور آمریکا پیشتر تایید کرده بود که سال‌ها سگرت می‌کشید؛ در سال ۲۰۱۱ میشله اوباما، گفت که همسرش سرانجام به اعتبار به سگرت غلبه کرده است.

فردا دور جدید مذاکرات هسته‌یی آمریکا با ایران آغاز می‌گردد



سخن‌گوی وزارت خارجه ایران می‌گوید که قرار است نشست دو جانبه میان وزیران خارجه ایران و آمریکا روز پنجشنبه این هفته برگزار شود و این «آغاز برای مذاکرات هسته‌ای در دوره جدید» است.

مرضیه افخم گفت که دیدار محمد جواد ظریف و جان کری، وزیران خارجه ایران و آمریکا منحصر به حضور هر دو نفر در نشست سخنگوی وزارت خارجه ایران، در نشست خبری روز سه شنبه (۲۴ سپتامبر)، گفت که برنامه‌ای برای دیدار حسن روحانی و باراک اوباما، رئیس‌جمهوری ایران و آمریکا وجود ندارد و دیدار محمد جواد ظریف و جان کری، وزیران خارجه ایران و آمریکا منحصر به حضور هر دو نفر در نشست وزیران خارجه گروه ۵+۱ است.

به گزارش واحد مرکزی خبر ایران، وی گفت که آقای ظریف در مقام وزیر خارجه، مسئولیت هدایت و مذاکرات هسته‌ای را برعهده دارد و به همین دلیل در جلسه روز پنجشنبه حضور خواهد داشت. با آغاز به کار دولت حسن روحانی، مسئولیت اداره مذاکرات هسته‌ای که پیشتر در اختیار شورای عالی امنیت ملی

جمهوری اسلامی قرار داشت به وزارت امور خارجه سپرده شده است. خانم افخم مذاکرات روز پنجشنبه را «تعیین‌کننده» خواند و گفت که در این نشست، دیدگاه‌های دو طرف مطرح می‌شود جمهوری

اسلامی مبنای و مباحثی را مطرح می‌کند که بر پایه آنها، مذاکرات آینده شکل خواهد گرفت. وی گفت که «تفاهمی هم صورت گرفته است تا نشست بعدی در نیمه اکتبر برگزار شود» اما در مورد سطح شرکت‌کنندگان و دستور کار این نشست توضیحی نداد. در نشست خبری روز سه شنبه، یکی از خبرنگاران با یادآوری اظهارات حسن روحانی که گفته بود فرصتی که مردم برای حل مناقشه هسته‌ای در اختیار دولت او قرار داده‌اند نامحدود نیست، از سخنگوی وزارت خارجه پرسید که آیا جمهوری اسلامی زمان معینی را برای رسیدن به نتیجه چنین مذاکراتی تعیین کرده است؟

مرضیه افخم با تاکید بر اینکه «مذاکره برای نفس مذاکره پذیرفته نیست» گفت که «مذاکرات باید دارای محدوده زمانی باشد تا تأمین‌کننده منافع طرفینی بوده و حالت برد-برد داشته باشد».

پایان گروگان‌گیری در کنیا



وزارت داخله کنیا اعلام کرد که در عملیاتی موفقیت آمیز مرکز تجاری نایروبی را به شکل کامل تحت کنترل خود درآورده و در جریان این عملیات سه تن از گروگان‌گیرها کشته و ۱۰ مظنون دیگر دستگیر شدند.

ژوزف اولی لنکو، وزیر داخله کنیا اعلام کرد که نیروهای امنیتی این کشور موفق شدند تمامی گروگان‌هایی را که در مرکز تجاری نایروبی به گروگان گرفته شده بودند آزاد کنند. وی افزود: نیروهای امنیتی تمامی طبقات و محیط خارج این ساختمان را به کنترل کامل خود درآورده و عملیات پاکسازی را برای اطمینان از عدم وجود تروریست‌های دیگر آغاز کرده‌اند. بنا بر اعلام مسولان کنیایی، تعداد غیرنظامیانی که در حمله افراد مسلح به مرکز تجاری نایروبی کشته شدند دست کم ۶۳ تن است.

وزیر خارجه کنیا نیز اعلام کرد که در میان عاملان حمله به این مرکز تجاری دو یا سه تبعه آمریکا و یک زن انگلیسی که گفته می‌شود همان زن انگلیسی معروف به «بیوه سفید» است، وجود دارند. بنا بر اعلام مسئولان بیوه سفید احتمالاً در عملیات کشته شده است.

پولیس کنیا در پیامی در توئیتر اعلام کرد: ما بیش از ۱۰ نفر را در رابطه با حمله وستگیت دستگیر کرده و برای بازجویی برده‌ایم.

خبرگزاری فرانسه

السیسی نامزد پست ریاست جمهوری مصر می‌شود؟



هم‌زیستی داشته باشند. اگر بخواهیم واقع‌گرایانه به این مساله بنگریم، رئیس‌جمهوری آتی مصر هیچ تأثیر یا نفوذی بر ارتش نخواهد داشت. همچنین واقع‌گرایانه‌تر این است که فکر کنیم ارتش به ایفای نقش خود به ویژه تحت فرماندهی جنرال السیسی ادامه خواهد داد. از سال ۲۰۱۱ که حسنی مبارک، دیکتاتور سابق مصر سقوط کرد، این کشور عربی-آفریقایی دستخوش بی‌ثباتی است که با وقوع کودتای ارتش علیه مرسى گسترده‌گی هم پیدا کرده است.

برای برخی از کارشناسان، این یک نگرانی حساب شده است که السیسی تنها یک سمت که همان فرماندهی ارتش مصر است، داشته باشد. وظایف جدی به عنوان فرمانده ارتش

احمد طاه، نویسنده روزنامه خصوصی الیوم السابع که یک جریده مصری است، در بخشی از نوشته خود خطاب به افرادی که خواهان نامزدی جنرال عبدالفتاح السیسی هستند، می‌نویسد: من به افرادی که خواهان این کار هستند تأکید می‌کنم که او را با وظایف مهمی که دارد، تنها بگذارند. این مهمتر از آن است که ریاست یک کشور را بر عهده بگیرد چرا که خطرات داخلی و خارجی علیه کشور نیازمند ظرفیت‌های نظامی است تا بتوان با آنها مقابله کرد و تنها جنرال السیسی می‌تواند از عهده این کار برآید.

سردبیر روزنامه مستقل مصری الشروق نیز می‌گوید: حتی اگر میلیون‌ها تن از حامیان السیسی هم به خیابان‌ها بیایند، باز هم او برای پست ریاست جمهوری نامزد نمی‌شود. اما اگر این کار را انجام داد، سه فرده‌ای که در انتخابات سال گذشته مغلوب مرسى شدند از او حمایت خواهند کرد.

عمرو موسی، وزیر امور خارجه باسابقه دوران مبارک و بعداً رئیس اتحادیه عرب از جمله این افراد است. موسی در مصاحبه‌یی با الشروق با اعلام اینکه جنرال السیسی در حال حاضر مشهورترین و محبوب‌ترین فرد در مصر است، گفت: امروزه، مصری‌ها انتظار دارند که رئیس‌جمهوری آینده‌شان تصمیماتی قاطع اتخاذ کند حتی در مورد مسایل سیاسی.

احمد شفیق، نخست‌وزیری که مدت کوتاهی در آخرین روزهای دوران مبارک این سمت را در دست داشت و در دور دوم انتخابات سال گذشته میلادی مغلوب مرسى شد، به کانال تلویزیونی خصوصی «دریم ۲» گفت که جنرال السیسی در صورتی که تصمیم به کاندیداتوری بگیرد، با قاطعیت پیروز می‌شود.

و در نهایت حمدین صباحی، ناسیونالیست عرب جنرال السیسی را یک قهرمان مردمی خواند.

درخواست مردمی، بزرگتر از افتخار رهبری مصر است. بدون توجه به آنچه که او تصمیم می‌گیرد، مصر با وضعیتی دشوار و تنگنایی پیچیده مواجه است چرا که ارتش این کشور عربی همواره نقشی دایمی در سیاست ایفا کرده است. در همین زمان، مصر با دو مساله امنیتی فوق‌العاده مهم روبرو است.

اولین اینکه، نگرانی‌هایی در این مورد وجود دارد مبنی بر اینکه شبه‌نظامیان ممکن است در واکنش به سرکوب بی‌رحمانه ارتش مصر علیه اخوان المسلمین طی چند هفته گذشته، وارد عمل شوند و دومین اینکه، ارتش مصر در حال دست و پنجه نرم کردن با بی‌قانونی گسترده در شبه جزیره سیناء است که به نظر می‌رسد با تداوم حملات مرگبار علیه مأموران پولیس و استحکامات نظامی مواجه است.

عبدالله السنای، سردبیر روزنامه مستقل الشروق مصر می‌گوید: خواه جنرال السیسی نامزد ریاست جمهوری شود یا نه، در هر دو مورد ما با مشکلی مواجه می‌شویم. کاملاً مشخص است که السیسی از جانب ارتش، سرویس‌های امنیتی و دستگاه‌های دولتی به شدت حمایت می‌شود. این روند او را قدرتمند می‌کند. بنابراین، اگر شخص دیگری انتخاب شود، ما با خطر ریاست دو نفر بر کشور مواجه می‌شویم. نیروهایی چون اخوان المسلمین رئیس‌جمهوری آینده را دچار مشکل می‌کنند.

این سردبیر روزنامه مستقل مصری می‌افزاید: در نتیجه، رئیس‌جمهور آینده باید به ارتش این کشور که رئیس‌جمهوری را ضعیف خواهد کرد، متکی باشد. بنابراین، این مساله به جنرال السیسی مربوط می‌شود. مصطفی کامل السید، تحلیلگر مسایل سیاسی نیز می‌گوید: فرماندهی ارتش مصر و رئیس‌جمهور باید با یکدیگر

یکی از متداول‌ترین پرسش‌های سیاسی امروزه در مصر این است که آیا جنرال عبدالفتاح السیسی که اولین رئیس‌جمهور منتخب این کشور را از قدرت کنار زد، خود به دنبال به دست گرفتن این سمت است یا خیر؟

اما این مرد قدرتمند در صحنه سیاست مصر، که به شدت در میان گروه بزرگی از مردم خواهان برکناری محمد مرسى، رئیس‌جمهوری مخلوع این کشور معروفیت دارد، ساکت است و حرفی نمی‌زند.

هم‌اکنون، مصر همچنان برای تعیین ساختار دولت آینده که چگونه خواهد بود تصمیم نگرفته است و بلا تکلیف است.

عدلی منصور، رئیس‌جمهوری موقت مصر هیاتی را برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید تشکیل داده؛ قانون اساسی‌یی که جایگزین همانی خواهد شد که مرسى به دلیل استفاده از آن مورد انتقاد قرار داشت. به طور کلی صحبت درباره انتخابات هم برای پارلمان جدید و هم برای ریاست جمهوری احتمالاً زمانی در اواسط سال آتی میلادی خواهد بود.

در ضمن، رسانه‌های محلی مصر درباره احتمال کاندیداتوری عبدالفتاح السیسی، فرمانده ارتش مصر به گمانه‌زنی‌های فراوان می‌پردازند.

در سوم جولای سال ۲۰۱۳ میلادی، السیسی در تلویزیون دولتی مصر حاضر شد و اعلام کرد که محمد مرسى از قدرت کنار رفته است.

او گفت که پس از حضور میلیونی مردم مصر در خیابان‌ها و درخواست برای برکناری مرسى - اولین فرد غیرنظامی‌یی که به صورت دموکراتیک در انتخابات ریاست جمهوری، انتخاب شده بود - اقدام به انجام این کار کرده است.

تصاویر و شمایل جنرال السیسی همه جا دیده می‌شود از آن زمان درخواست‌ها از جنرال ارتش مصر برای نامزدی در انتخابات در صفحات فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. تصاویر و عکس‌های این مرد قدرتمند بر روی شیشه مغازه‌ها، بر روی دیوارها و خودروهای این کشور پرجمعیت جهان عرب همه جا به چشم می‌خورد. کارشناسان و روزنامه‌نگاران که اخیراً با السیسی دیدار کرده‌اند، می‌گویند که او این سمت را نمی‌خواهد و تمایلی هم برای نامزدی در این سمت ندارد و این مرد درباره مساله کاندیداتوری‌اش تنها و تنها یکبار به اظهار نظر عمومی پرداخته و آن هم به صورت رازگونه و مبهم. جنرال عبدالفتاح السیسی سه هفته پس از خلع مرسى در سخنرانی ۲۴ جولای ۲۰۱۳ خود گفت: افتخار کسب یک

۱۰ مکانی که به زودی از کره زمین محو می شوند

دمای کره زمین در حال افزایش است، سطح آب دریاها در حال آمدن است و مکان‌های زیادی به زودی زیر آب ناپدید خواهند شد. فهرست این مکان‌ها بسیار طولانی است، ولی در این جا ۱۰ مورد از آن‌ها انتخاب شده‌اند تا به شما معرفی شوند.

۱. جزایر مالدیو

جزایر گرمسیری و بهشت‌گونه مالدیو که به خاطر سواحل شنی سفیدشان معروف شده‌اند، همواره یکی از محبوب‌ترین مکان‌های توریستی محسوب شده‌اند.

اگر گرم شدن زمین ادامه یابد، زادبوم معروف‌ترین خزنده دنیا ممکن است در عرض چند دهه آینده زیر آب برود. آب‌های اطراف این جزیره در حال بالا آمدن هستند و ممکن است موجب انقراض اژدهای کومودو شوند، ولی در عین حال اسیدی شدن فراوان هم صدمه بزرگی است، زیرا دمای سطحی را بالاتر می‌برد و در نهایت موجب کشته شدن مرجان‌های اطراف جزیره و نابود شدن مناظر زیر آبی می‌شود.

۵. سد آبنسنگی کبیر، استرالیا

تأثیر گلخانه‌یی ایجاد می‌کند. وقتی دماها افزایش می‌یابند، توکیو مشکلات بزرگ‌تر و بزرگ‌تری با گرما دارد.

۷. ونیز، ایتالیا

شاید برای بعضی‌ها باورش سخت باشد که شهری که روی آب است از گرم شدن کره زمین رنج ببرد، ولی پژوهش‌ها حرف دیگری می‌زنند. در واقع، این شهر در هر صورت در حال غرق شدن تدریجی است و هر ۱۰۰ سال ۹ اینچ زیر آب می‌رود، البته شرایط آب‌وهوایی اخیر همه چیز را بدتر کرده است. در حال حاضر، سد جدیدی در دست ساخت است که در مقابل سیل ۱۰۰ فوتی مقاومت می‌کند. کارشناسان می‌گویند که باید مطالعات جدیدی انجام شوند تا اقدامات صورت گرفته برای نجات این شهر را ارزیابی کنند.

۸. رود تایمز، لندن

رود تایمز قرن‌هاست که افتخار لندن محسوب می‌شود، ولی امروزه تبدیل به یکی از تهدیدهای بزرگ در برابر این شهر شده است. از قرون وسطا به بعد این شهر در کنار این رود گسترش یافت و باعث شد که این رود باریک و باریک‌تر شود. یک سد بزرگ در قرن نوزدهم ساخته شد تا از سیل جلوگیری کند، ولی بالا آمدن سطح آب‌ها ثابت کرد که این اقدام تأثیری ندارد و رود تایمز را بخشی از دریا کرده است.

۹. بیگ سور، کالیفرنیا، ایالات متحده

خط ساحلی بین لاس‌آنجلس و سان‌فرانسیسکو، قطعاً یکی از زیباترین مناظر در امریکای شمالی است. متأسفانه این احتمال هست که گرم شدن کره زمین موجب نابودی اکوسیستم و منظره این منطقه شود، زیرا دمای بالا موجب آتش‌سوزی‌های بزرگ می‌شود. با این حال، دولت کالیفرنیا اقداماتی برای یافتن راه‌حلی برای مسایل زیست‌محیطی در سال‌های اخیر صورت داده است که باعث می‌شود امیدوار شویم که بیگ‌سور یکی از آن مکان‌هایی نباشد که به علت گرم شدن کره زمین ناپدید می‌شود.

۱۰. کانال پاناما، پاناما

کانال پاناما از وقتی که در سال ۱۹۱۴ باز شد، انقلابی در تجارت جهانی ایجاد کرد

رود تایمز قرن‌هاست که افتخار لندن محسوب می‌شود، ولی امروزه

تبدیل به یکی از تهدیدهای بزرگ در برابر این شهر شده است. از

قرون وسطا به بعد این شهر در کنار این رود گسترش یافت و باعث

شد که این رود باریک و باریک‌تر شود. یک سد بزرگ در قرن نوزدهم

ساخته شد تا از سیل جلوگیری کند، ولی بالا آمدن سطح آب‌ها ثابت

کرد که این اقدام تأثیری ندارد و رود تایمز را بخشی از دریا کرده

است



اکوسیستم حساس یکی از زیباترین مناطق جهان از زمانی که دمای زمین بالا رفته است، مورد تهدید قرار گرفته است. انواع مختلفی از گونه‌های دریایی که برای بقا به مرجان‌ها نیاز دارند، در این منطقه زنده‌گی می‌کنند. از آنجایی که صخره مرجانی در حال مرگ است، گیاهان و جانوران آن

متأسفانه گرم شدن کره زمین می‌تواند موجب شود که این جزایر که ۶۰۰ مایل امتداد دارند، زیر آب بروند. از آنجایی که ۸۰ درصد این کشور فقط ۳.۳ فوت بالاتر از سطح دریاست، افزایش مداوم سطح آب اقیانوس‌ها، زنگ خطر را برای این جزایر زیبا به صدا درمی‌آورد. با این سرعت بالا آمدن آب دریاها و اقیانوس‌ها تا قبل از سال ۲۰۵۰، جزایر مالدیو ناپدید می‌شوند.

۲. بانکوک، تایلند

بانکوک هم یکی از محبوب‌ترین مقصدهای گردشگری در کل جهان است، و البته یکی از آن مکان‌هایی است که به علت گرم شدن کره زمین ممکن است ناپدید شود. این شهر به علت شهرسازی سنگین بر روی زیربناهای خاکی نرم و پمپ کردن آب‌های زیرزمینی نیز در حال غرق شدن است. موقعیت شهر طوری است که در معرض سیل و موسم بارنده‌گی قرار دارد.

۳. دلتای رود می‌سی‌سی‌پی، ایالات متحده

این رود بزرگ امریکایی به دلتاها، رودها و مرداب‌های زیبای خلیج مکزیک می‌ریزد. بالا آمدن آب دریا می‌تواند این مناظر زیبا را از بین ببرد. با این حال، فقط گرم شدن زمین نیست که به این منطقه آسیب می‌رساند، زیرا این منطقه در معرض توفان‌ها و گردبادهای دریایی فراوانی قرار دارد. همه ما توفان کاترینا در نیواورلیان را به یاد داریم.

۴. جزیره کومودو، اندونزی



بخش دوم و پایانی

چه میوه‌هایی را با چه هدفی بخوریم؟

■ شفتالو

تهیه ماسک زیبایی از هلو، از جمله فواید این میوه تابستانی است. قرار دادن رنده‌شده میوه هلو روی پوست صورت به مدت ۲۰ دقیقه، به جوان‌سازی و نشاط پوست کمک می‌کند.

■ زردآلو

اگر دچار بی‌خوابی هستید یا از خستگی مفرط رنج می‌برید، زردآلوی رسیده بخورید. مصرف زردآلوی رسیده برای داشتن ویتامین‌های گروه B به درمان بی‌خوابی، خستگی، گیجی و ناراحتی‌های عصبی و روحی کمک می‌کند. در ضمن توجه داشته باشید مصرف بی‌رویه این میوه، موجب بروز اختلال در هضم مواد غذایی و اسهال می‌شود.

■ انجیر

انجیر انواع و رنگ‌های مختلفی دارد که همه آن‌ها در داشتن ویتامین‌های A، B، C، و آهن با یک‌دیگر برابرند. بر اساس تحقیقات به دست آمده، مصرف این میوه به صورت خام و خشک، موجب از بین رفتن بوی بد دهان و برخی از بیماری‌های دهان می‌شود. خوردن انجیر تازه، از طرفی موجب کاهش حرارت بدن و رفع تشنه‌گی می‌شود. هم‌چنین این میوه موجب تعریق زیاد شده و تمامی سموم موجود در بدن را به واسطه آن از بدن خارج می‌کند. به گفته محققان، مصرف این میوه قبل از مصرف غذا، موجب تحریک اشتها و همین‌طور پاک‌سازی کامل دستگاه گوارش می‌شود.

■ خربزه

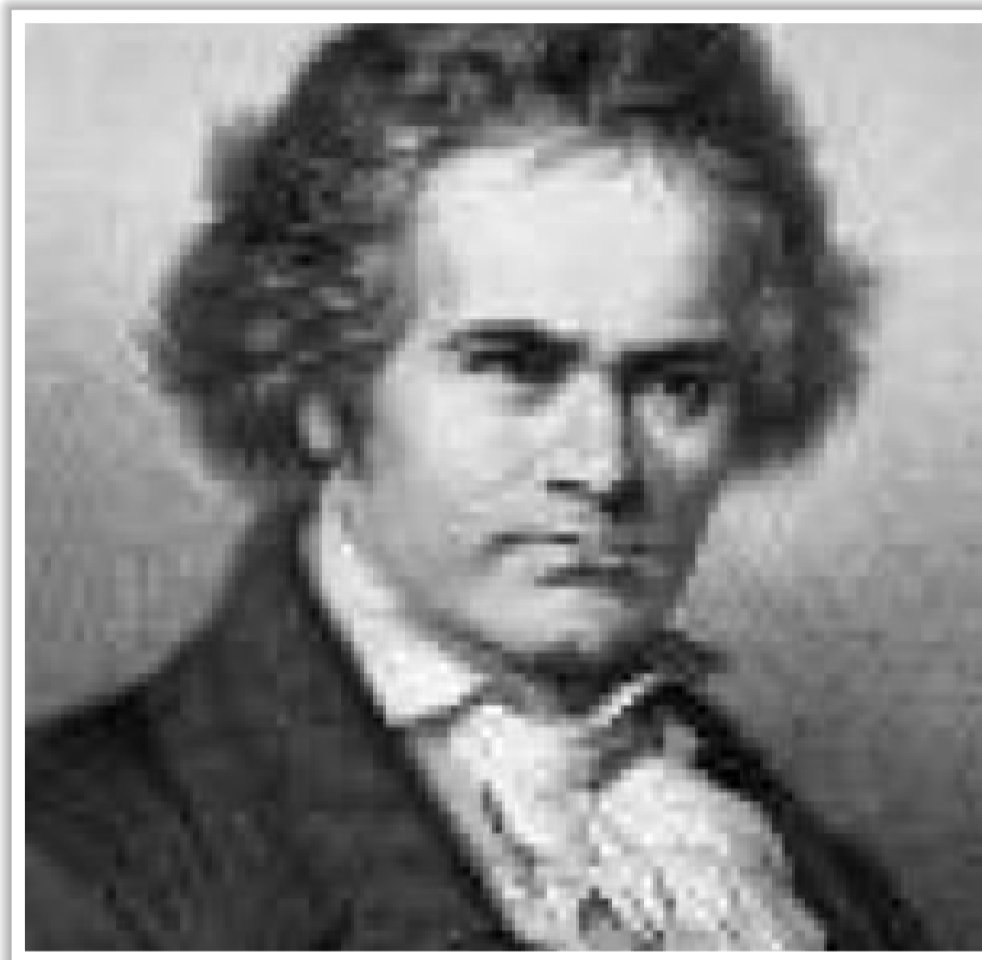
افرادی که مبتلا به سنگ گرده یا سنگ مثانه هستند، با مصرف خربزه می‌توانند به درمان بیماری خود کمک کنند. این میوه به جهت خاصیت ادرارآورش، به درمان این بیماری و دفع سنگ‌های کوچک کمک می‌کند. مصرف تخم‌های بریان‌شده این میوه نیز ادرار آور بوده و به دفع سنگ‌های کلیه و مثانه می‌انجامد.

نکته ۱: مصرف میوه‌هایی مانند لیمو، مالته، آناناس، گریپ‌فروت و بادرنگ یا آب آن‌ها بهتر است یک ساعت قبل یا یک ساعت بعد از صرف وعده غذایی صورت گیرد. مصرف این نوع از میوه‌ها، موجب کاهش کلسترول و اسیداوریک خون می‌شود.

نکته ۲: متخصصان معتقدند مصرف روزانه سه تا پنج میوه، از بروز ناراحتی‌های گوارشی به‌ویژه شایع‌ترین آن‌ها یبوست (قبضیت)، پیشگیری می‌کند. به اعتقاد این گروه، تغذیه نامناسب، عدم استفاده از سبزیجات و میوه‌ها در رژیم غذایی و همین‌طور کم‌تحریکی، از مهم‌ترین عوامل بروز یبوست در انسان است. میوه‌ها و سبزیجات به دلیل داشتن فیبر و آب فراوان، موجب تحریک روده شده و به دفع مواد زائد بدن، کمک بسیاری می‌کنند.

نکته ۳: متخصصان طب سنتی می‌گویند نوشیدن مخلوطی از آب زردک و مالته، یکی از مضرترین ترکیب‌های غذایی است. مخلوط کردن این دو میوه با هم و مصرف آن، موجب بالا رفتن میزان اسید خون در بدن می‌شود. علاوه بر این، اختلال در عملکرد کبد و تحریک‌پذیری طحال نیز از دیگر عوارض مصرف این دو میوه با هم است.

تجربه زیباشناختی و آموزش موسیقی



نویسنده: پنتی ماتانن

برگردان: محمدرضا فرزاد

«بنت رایمر» اصول روشن‌گری را که در نوشتن کتاب خود دربارهٔ فلسفهٔ آموزش موسیقی از آن پیروی نموده، به شکل کاملاً روشنی تشریح می‌کند: «شناسایی موضع زیباشناختی متفکران، موضعی که از ساختار مفاهیم قابل شناختی تشکیل یافته که بدون در افتادن در ورطهٔ اغماض و پیچیده‌گی می‌توانند عرضه و آموخته شوند، امری ضروری می‌نماید.» رایمر یقیناً در نوشتن کتابی دربارهٔ فلسفهٔ آموزش موسیقی که به‌ساده‌گی قابل درک و فهم است موفق عمل می‌کند، اما تلاش در اجتناب از پیچیده‌گویی در بحث دربارهٔ مقولات فلسفی گاه می‌تواند بسیار خطرناک باشد. مفهوم تجربهٔ زیباشناختی یا لااقل مبنای «طبیعی» یا بیاولوژیک آن (به قول رایمر)، «به‌شدت بر پایهٔ اندیشه‌های جان دیویی و سوزان کی لانگر است». خوانندهٔ این سطور شاید این طور استنباط کند که برداشت رایمر از تجربهٔ زیباشناختی با مفهوم هم‌پیوند این برداشت در نظر جان دیویی، مرتبط است، در حالی که این طور نیست.

رایمر از میان آرای «جان دیویی»، که مکرراً در کتاب خود «هنر به مثابهٔ تجربه» از نقش احساسات و عواطف در تجربهٔ زیباشناختی و انسان به مثابهٔ موجود زنده سخن می‌گوید، تنها یک جنبه از آن‌ها را در نظر می‌گیرد و از بقیهٔ جنبه‌های فلسفهٔ جان دیویی چشم می‌پوشد. چارچوب دیدگاه فلسفی رایمر و دیویی کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند. «هایدی وستر لوند» رایمر را به بدفهمی آرای دیویی متهم می‌کند. در متنی که از پی می‌آید، من بر مفاهیم «معنا» و «مفهوم‌سازی» درنگی خاص خواهم کرد.

رایمر از برداشت زیباشناختی «مفهوم» (کانسپت) بهره می‌گیرد. همواره به یک نشانه، نشانگر، شمارشگر یا ابزار زبانی یا عرفی نیاز است. فردی که مفهومی از «حال و هوای بهیرونی» در ذهن دارد، اولاً قادر است تا حالات و ویژه‌گی‌های معمول اصوات موسیقی بهیرون را تمیز بدهد و ثانیاً می‌تواند نامی خاص به آن ببخشد و ثالثاً می‌تواند هر بار که قطعه‌یی از آثار بهیرون نواخته می‌شود، آن را شناسایی کند. این نگرش نگرش نمونه‌وار تفکر «تجربه‌گرا» است که بر این باور است که تجربه همواره تجربه‌یی حسی است یا اصلاً خود ادراک است. از نظر دیویی چنین مفاهیم تجربه‌محورانه‌یی «مفاهیم مرده‌اند و ناتوان از اجرای کنشی هماهنگ در موقعیت‌های جدید. این مفاهیم، در معنای متقابل با آنچه علمی می‌خوانیمش، «تجربه‌گرا»یند، یعنی صرفاً برآیند نتایج حوصله در شرایطی کم‌وبیش تصادفی هستند.» برداشت دیویی از «مفهوم» کاملاً «کاربست‌پذیر» است. مفاهیم، حدود و ثغور کاربردش‌ها هستند. پیوند مفاهیم با جهان نهایتاً از طریق تعامل صورت می‌پذیرد و این یعنی ادراک و کنش و نه صرفاً ادراک. پراگماتیسم (عمل‌گرایی) تماماً در همین باره است. به قول «چارلز ساندرس پیرس» مسأله، شرح این نکته است که چه‌گونه کنش یا عمل، مفهوم ذهنی تجربه را بسط و توسعه می‌دهند. دیویی دیدگاه خود را «آمبریسیسم تجربه‌گرا» می‌نامد و این چنین خود را از «آمبریسیسم» کلاسیک جدا می‌سازد.

رایمر با بهره‌گیری از برداشت زیباشناختی خود از «مفهوم»، به یک تمایز نوع‌شناختی میان معنای مفهومی یا کانسپچوال (زیباشناختی) و معنای زیباشناختی (یا هنری) دست می‌یابد. یکی از ویژه‌گی‌های این تقسیم‌بندی (کاری که دیویی به‌شدت از آن انتقاد می‌کرد) این مدعاست که در همان حال که معنای مفهومی به چیزی ارجاع می‌دهد، «به چیزی جز خود»، در عین حال ویژه‌گی‌های اکسپرسیو یک اثر هنری «هیچ احساسی را مشخص و معین نمی‌کند و بدان ارجاع نمی‌دهد، آن‌ها را به عنوان عناصری درون‌ماندگار که در ذات و صفات خود ساکن و خود ویژه‌اند، نشان می‌دهد.» «احساساتی که هنر به نمایش آن‌ها می‌پردازد، «بژکتیو» شده و عینی‌اند. آن‌ها در قالب خود شیء یا اثر هنری در می‌آیند. در عناصر هنری که هر اثر هنری از آن‌ها تشکیل شده است، یعنی ملودی یا ریتم در موسیقی، خط و رنگ در نقاشی و ... دیویی برخلاف رایمر پیوسته میان ابژهٔ (شیء) هنری یا اثر هنری فرق می‌گذارد. شیء هنری یک کمیت فیزیکی است. (تابلویی که بر دیوار آویخته می‌شود، ارتعاشات هوا، نقاط سیاه روی کاغذ و...) که، در صورتی که به ساحت ادراک در آید، اثری هنری را به مثابهٔ تجربه‌یی زیباشناختی، خلق می‌کند. از این منظر می‌توان گفت که یک کمیت فیزیکی (یک شیء هنری) احساساتی را بر می‌انگیزد که خود، عناصر و اجزای تجربهٔ حاصله (که اثر هنری باشد) هستند. اما بی‌راه است اگر بگوییم که احساسات (یا کمیت‌های ذهنی به طور عام) در کمیتی فیزیکی مثل تابلوی نقاشی، ارتعاشات هوا و ... نهفته‌اند. حتا

«جرج برکلی» نیز معتقد است که چنین چیزی ممکن نیست و همین مبحث همواره مورد بحث‌وجدل «ایدیالیسم» فلسفی بوده است، یعنی این دیدگاه که جهان درختان و میزها و دیگر اشیا از کمیت‌های ذهنی و مفاهیمی بصری برخوردار است. من از دیدگاه رایمر چیزی نمی‌دانم، ولی یقیناً دیدگاه دیویی در کتاب «هنر به مثابهٔ تجربه» این نیست.

دیویی در جایی می‌نویسد: «احساسات در صورتی که در پیوند با شیئی باشند که در یک کنش اکسپرسیو شکل یافته باشد، زیباشناختی خواهند بود.» این «پیوند» در متن ناتوریالیسم فلسفی دیویی، مبتنی بر این نکته است که ما در تعاملی مداوم با محیط فیزیکی پیرامون خود هستیم. انواع خاصی از کمیت‌های فیزیکی (تابلویهای نقاشی، سلسله‌نامه‌ها و از این قبیل) تجربه‌های خاصی را بر ما رقم می‌زنند. رایمر هیچ توضیحی در این باره، که چه‌گونه می‌توانیم ذهنیاتی (حالاتی ذهنی که حتا «نمی‌توان بر آن‌ها نامی نهاد) را که در قالب این ابژه (شیء) ابژکتیو می‌شوند، با یکدیگر سهم شویم، به ما ارائه نمی‌دهد و این به خاطر این مسأله است که او دربارهٔ مفهومی که از معنای غیر مفهومی (غیر کانسپچوال) در نظر دارد، هیچ توضیحی نمی‌دهد.

طبق نظر رایمر، معناها همیشه گاهی در ابژه‌ها و گاهی در آثار هنری، می‌توانند تجربه و میان افراد تقسیم شوند، اما نمی‌توان با آن‌ها ارتباطی برقرار کرد، چرا که نمی‌توان آن‌ها را کانسپچوالیزه کرد. این معناها به ادراک آدمی درمی‌آیند. واکنش‌های زیباشناختی نیز بر می‌انگیزند و در نتیجه این فرآیند تجربه‌یی زیباشناختی شکل می‌گیرد که ذهنی(سوبژکتیو)، درونی، مبتنی بر فاصله و بی‌غرض هستند. اما هیچ تبیینی در باب چه‌گونه وقوع آن وجود ندارد. قول بر این است که فقط اتفاق می‌افتد؛ همین. در تیوری دیویی پیوند مهم میان هنر و دیگر شیوه‌های تجربه، دقیقاً همین مفهوم «معنا» است. معنای آثار هنری و دیگر معانی ذیل تیوری پراگماتیستی مشابهی در باب معنا قرار می‌گیرند. کنش و پیامدهای آن می‌بایست در ساحت ادراک به یکدیگر ببیوندند. این رابطه، معنابخش است و درک و فهم معنا، غایت و هدف قوه فاهمه است. معنا مبتنی است بر کنش و استعمال. معنای هر کلاه، شیوه استعمال آن کلاه است. وقتی آفتاب می‌تابد، باران می‌بارد فرد برای محافظت خود کلاه سر می‌گذارد. اگر کلاه روی رف باشد و کسی به آن دست نهد، به محض آن‌که کسی بگوید: «هی آن کلاه را به من بده!» همین به کلمهٔ «کلاه» معنا می‌بخشد. در تیوری دیویی، معناهای نمادهای زبانی مرسوم، از دیگر معناها جدا نیستند.

این اصل که معانی وابسته به کنش یا افعال هستند در مورد احساسات نیز به کار می‌رود طبق نظر دیویی «احساسات و عواطف، ویژه‌گی‌های یک درام‌اند.» این دربارهٔ زنده‌گی و کنش نیز صادق است و «هنر، یکی از ویژه‌گی‌های فعالیت و کنش‌مندی است.» این نظر به تیوری احساسات مشهور» ویلیام جونز شباهت بسیاری می‌برد. این‌که احساسات تنها

از طریق کنش برانگیخته می‌شوند، فی‌المثل ترس، حالتی از احساس به سرعت گریختن است.

این تلقی عمل‌گرایانه از معنا، مبنایی را بر این معنای مشترک فراهم می‌آورد. تک‌تک افراد می‌توانند وقتی از نشانه‌ها، ابزار و چیزهای دیگر استفاده می‌کنند به افراد دیگر نگاه کنند و این بهره‌گیری خود را به زمینهٔ رفتار خود در محیط‌های فیزیکی و اجتماعی، پیوند دهند. این ارتباط زمینه تأویل و تفسیر را فراهم می‌آورد: این‌که چه‌گونه، چرا و به چه علت دیگران از کمیت‌های معنایند در زمینه‌هایی مشخص بهره می‌گیرند. درک معنا نهایتاً ما را قادر می‌سازد تا از نشانه – ابزارهای مرتبط (نمادهای زبانی، تمهیدات زبانی و از این قبیل) برای رسیدن به اهداف غایی زندگی سود جوییم. معنای عام یا ابژکتیو، بهره‌گیری میانگین از نشانه – تمهیدها در متن یک اجتماع خاص است. مشکل در این است که هیچ کس دسترسی مستقیمی به این بهره‌گیری میانگین ندارد. معنای سوبژکتیو (ذهنی) روش شخصی درک نشانه/ تمهیدات متفاوت است و همیشه چیزی بیش از معنای ابژکتیو به شمار می‌رود. مبنای تشریک معانی، زمینهٔ مشترک موجود در یک محیط اجتماعی (و فیزیکی) مشابه است. هر چه تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتر باشد، درک فرد مقابل به مراتب دشوارتر می‌گردد.

دیویی و رایمر برداشت‌های کاملاً متفاوتی از معانی موجود در هنر دارند. تلقی آن‌ها از «احساس» و «معنا» کاملاً با هم فرق می‌کند. رایمر اغلب به دیویی ارجاع می‌دهد، ولی تیوری وی به‌شدت مبتنی بر بدفهمی و سوء تفسیر آرای دیویی است. مهم‌ترین شیوهٔ تجربه کردن که به تجربه‌زیبایی‌شناختی رایمر راهی ندارد، خود کنش (عمل) است. او بر مسألهٔ ادراک و زیباشناسی یعنی واکنش حس متمرکز می‌ماند. در تیوری دیویی، کنش نیز در نظر گرفته می‌شود چون معنا، همان نحوهٔ عمل (کنش) است. پیوند موسیقی با کنش همواره مورد نظر «فرانسس اسپارشات» و «پراکسیالیست‌ها»یی (کنش‌گرایانی) چون «دیوید الیوت» و «تامس رگلنسکی» بوده است. یکی از تفاوت‌های بنیادین میان آموزش زیباشناختی رایمر و پراکسیالیسم به نظر در این است که رایمر بر ادراک (امر شنیدن) تأکید دارد، در حالی که پراکسیالیسم بر نقش اجرای موسیقی و آموزش نواختن‌ساز تأکید دارد. پراکسیالیست‌ها از آموزش موسیقی زیباشناسی‌محور به ویژه در مورد مفهوم تجربهٔ زیباشناختی فاصله می‌گیرند. من می‌توانم این واکنش به رایمر را درک کنم، ولی نمی‌توانم بفهمم که برداشت ناتوریالیستی (و ضد کالتی) تجربه زیباشناختی دیویی از کانون توجه پراکسیالیست‌ها مغفول و بیرون مانده است. شاید به این خاطر که رایمر مدعی است که برداشت او «قویاً مبتنی بر آرای دیویی است.» ولی دیویی بیشتر در توافق با این نظر الیوت است که خودباوری، خودساخته‌گی خودآموخته‌گی و لذت بسیار حایز اهمیت و ارزش‌مند است. اما این فهرست برای دیویی خیلی کوتاه به نظر می‌رسد و به‌ساده‌گی در معرض

تفسیرهای فردی است. تلقی دیویی از تجربه زیباشناختی کاملاً منطبق بر اصول بنیادین پراکسیالیسم است. برای درک صحیح مفهوم تجربهٔ زیباشناختی دیویی، تمایز میان دو معنای مفهوم «بی‌غرض بودن» ضروری می‌نماید. اولین معنا از آرای ارسطو نشأت می‌گیرد که «پراکسیس» را از «پوتیسیس» جدا می‌دانست و می‌گفت در پراکسیس تلوس یا هدف کنش خود کنش است در حالی‌که در پوتیسیس هدف چیزی دیگر است. صنعت‌گری نمونهٔ تیپیک پوتیسیس است که هدف آن، تولید یک محصول است. دیگر معنای پوتیسیس یعنی شعر را نباید با صرف صنعت‌گری اشتباه کرد و یکی دانست. والاترین هدف پراکسیس، خود پراکسیس است، زنده‌گی شاد و خوشبخت است. از منظر دیویی، تجربه‌های زیباشناختی، ارکان بنیادین یک زنده‌گی شاد و سعادت‌مند هستند. این شکل از کنش‌گری فی‌نفسه ارزشمند است و از کار مولد و خلاقه از پوتیسیس متمایز است. ارسطو اشاره می‌کند که بی‌غرض است و در پی کسب منفعت نیست. ولی این بدین معنا نیست که معطوف به کنش‌های تولیدی و خلاقه نباشد. پراکسیس تنها یکی از شیوه‌های کنش است. طبق نظر دیویی، ادراکی که تنها محض ادراک رخ دهد (یعنی تجربهٔ زیباشناختی)، «عملی نیست، البته اگر عملی بودن را هدفی خاص و ویژهٔ بیرون از ساحت ادراک یا دیگر پیامدها و نتایج بیرونی در نظر بگیریم.» دیویی معتقد است که هنر فی‌نفسه، عملکرد انجام فعل و ساختن است و از آن‌جا که در عرصهٔ هنر، ذهن متبلور و متجسم می‌گردد، ادراک «به عوامل محرکه» نیاز دارد. فلسفهٔ ذهن دیویی بر این نکته تأکید دارد که تمامی کنش‌های شناختی بر پایهٔ تعامل عملی میان محیط ما بنا شده است و بر پایهٔ این نکته است که ما موجوداتی جسمیت‌یافته هستیم. موضع دیویی در تقابل با معنای دوم مفهوم «بی‌غرض بودن» قرار می‌گیرد. معنایی که مبتنی بر خرد استعلایی کالتی است. این شکل از بی‌غرض بودن از امور و مقولات عملی جداست، چون خرد در این رویکرد از هستی جسمیت‌یافته جداست. فلسفهٔ ذهن دیویی بر این نکته صحه می‌گذارد که ما موجوداتی جسم‌مند هستیم که قوهٔ تفکر و تعقلمان از هستی این جهان ما جدایی‌ناپذیر است. در هر تجربهٔ زیباشناختی، نوعی علاقه به زنده‌گی خوب وجود دارد و این پیوند با کنش حتا از منظر معنا نیز ضروری می‌نماید. هیچ معنایی مستقل از کنش بیرونی وجود ندارد و بنابراین هیچ شیوهٔ تفکری وجود ندارد که کاملاً از کنش بیرونی منفک باشد.

این نوع تأکید بر کنش بیرونی و عادات اجتماعی عمومی و مشترک، این احساس را القاء می‌کند که تجربهٔ سوبژکتیو و فردی در پراگماتیسم دیویی، خوار انگاشته شده است. هرچند جامعه از افراد تشکیل شده است و هیچ‌کس دسترسی مستقیمی به معنای عینی و ابژکتیو یا تجربهٔ شخصی هیچ فرد دیگری ندارد. همه در حیطهٔ تجربهٔ فردی خود، محدود و مقید به دیدگاه شخصی هستند. همهٔ ما در این ویژه‌گی مشترک هستیم. ولی معانی به مثابهٔ ابزارهای تجربهٔ فردی نمی‌توانند به شکلی فردی تعریف شوند. انسان‌ها، اتم یا بلوک‌های ساختمانی نیستند که در کنار هم گرد آمده باشند تا جامعه را شکل بدهند. معانی «درون کله‌ها» نیستند. شناخت انسان، یک پدیدهٔ اجتماعی است. این ویژه‌گی یکی از وجوه تمایز مهم میان پراگماتیسم دیویی و پراکسیالیسم الیوت است که در این دومی، فلسفهٔ ذهن فردگرایانه‌یی هست که در آن مفهوم ذهن به مغز تقلیل یافته است. دیویی میان ذهن و آگاهی تمایز می‌گذارد. «ذهن چیزی بیش از آگاهی است، چون مغز پس‌زمینهٔ پایدار و در عین حال متغیر چیزی است که آگاهی، پیش‌زمینهٔ آن است.» مغز «اندام معناهای سازمان‌یافته» است. به همان‌گونه که معناها کنش‌های اجتماعی هستند، ذهن بر نوعی وابسته‌گی زمینه‌یی به شناخت فردی اشارت دارد.

ذهن از ویژه‌گی‌ها و دارایی‌های مغز نیست، حتا از مایملکات جسم نیز نیست، بلکه فرآوردهٔ تعامل میان فرد و محیط است. کمیت‌های ظاهری مثل درختان، میزها، کلاه‌ها و نشانه‌های زبانی و اشیای هنری و از این قبیل، به سازمان کارکردی ذهن تعلق دارد. یک شیء هنری وقتی به اثری هنری بدل می‌گردد که به ادراک آدمی درآید و وقتی تفسیر گردد از معنا سرشار شود، و از آن‌جا که این معانی در ارتباط تنگاتنگی با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند، تجربهٔ زیباشناختی ناشی از این کنش ادراکی نمی‌تواند کاملاً شخصی و منفرد باشد. هرچند به این اعتبار که همواره تجربه یک سوژهٔ منفرد است، سوبژکتیو است.

پیوند منطقی میان تجربهٔ زیباشناختی فردی و ذهنی (سوبژکتیو) و کنش‌های ابژکتیو بیرونی، سر از مفهوم معنا درمی‌آورد. ساختن موسیقی روشن‌ترین راه برای برقرار کردن پیوند میان تجربهٔ موسیقایی فرد با معنای عمومی و بیرونی است؛ ولی نیاز نیست تا ادراک (امر شنیدن) در تقابل با ساختن موسیقی قرار گیرد. هدف‌مند شنیدن، از کنش بیرونی در حکم پیش‌درآمد و مقدمه بهره می‌گیرد (عموماً در فلسفهٔ دیویی فکر کردن به عنوان پیش‌درآمد کنش تلقی می‌گردد)، و کسانی که ساز نمی‌زنند، باید لااقل با صدای خود که نوعی ساز موسیقی است، لذت ببرند. ساز زدن بی‌شک قوهٔ هدف‌مند شنیدن فرد را بسط می‌دهد اما تنها راه، تقویت قوهٔ موزیکالیتته نیست. همان‌طور که در مورد پراکسیالیسم الیوت مشاهده می‌کنیم، لااقل بر این جنبه خیلی تأکید شده است. زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی، تنها در اجرا و تمرین معمول موسیقی به نمایش درمی‌آید. تلقی پراگماتیستی از معنا به ما کمک می‌کند تا به تبیین نحوهٔ ارایه و نمایش زمینهٔ عملی در شنیدن و تفکر ناب و در لحظات تنهایی و انزوا بپردازیم. موسیقی هم‌چنین به قول جامعه‌شناسان، مثل «چسپ اجتماعی» کار می‌کند.

اختلاف بر سر نتایج نشست علمای جهان اسلام در کابل

هارون مجیدی

شماری از آگاهان نشست شورای علمای جهان اسلام در کابل را نتیجه‌بخش دانسته و شماری دیگر معتقدند که این نشست برای تأمین صلح در افغانستان نتیجه‌یی ندارد.

این آگاهان می‌گویند که «اگر علمایی که از سراسر جهان در نشست علمای اسلام به کابل آمده اند، یک صدا اعمال تروریستی طالبان را محکوم و مغایر آموزه‌های دینی و انسانی معرفی کنند، حتا روی سیاست‌گذاری‌های کشورهای حامی طالبان نیز تأثیر می‌گذارد.»

در همین حال، برخی دیگر از آگاهان می‌گویند که برگزاری نشست علمای جهان اسلام در کابل، هیچ‌گونه نقش مثبتی در ایجاد و تأمین صلح در افغانستان نخواهد داشت.

آگاهان باور دارند که علمای دینی در چند سال گذشته در زمینهٔ شناساندن چهرهٔ واقعی طالبان و استفادهٔ ابزاری آن‌ها از دین، هیچ کاری نکرده‌اند و امیدواریم در نشست علمای جهان اسلام، در این خصوص توجه لازم صورت گیرد.

شاه گل رضایی عضو مجلس نماینده گان به این باور است که «اگر علمایی که از سراسر جهان در این نشست آمده‌اند، با یک صدا اعمال تروریستی طالبان را محکوم و مغایر آموزه‌های دینی و انسانی معرفی کنند، حتا روی سیاست‌گزاری‌های کشورهای حامی طالبان نیز تأثیر می‌گذارد.»

شاهگل رضایی با تأکید بر نقش علمای جهان اسلام در کشاندن طرف‌ها به پای میز مذاکره گفت: به چند دلیل علما می‌توانند در تأمین صلح نقش داشته باشند: نخست این که طالبان از دین و آموزه‌های دینی منحیت یک وسیله استفاده می‌برند و جنگ و خشونت را که انجام می‌دهند زیر نام جهاد به طرف‌داران خود وائمود می‌کنند.

این عضو مجلس معتقد است که خاموشی علما در سال‌های گذشته منجر به این شد تا طالبان از نام دین و مذهب استفادهٔ ابزاری کنند.

از سوی دیگر، جاوید کوهستانی آگاه سیاسی و نظامی

بررسی دلایل سفر...

دشمن اند، حواله کند.

اما محمود صیقل آگاه مسایل بین‌الملل، دلیل عدم حضور حامد کرزی به اجلاس عمومی سازمان ملل متحد را نبود برنامه از سوی حکومت افغانستان برای ارایه در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد می‌داند.

صیقل می‌گوید، معمولاً حکومت افغانستان کدام برنامه‌یی برای ارایه کردن در این اجلاس ندارد و از سوی دیگر، به نحوی تاریخ حکومت حامد کرزی گذشته است. بنابراین چون کرزی حرفی برای گفتن نداشت، لازم دید تا در این اجلاس شرکت نکند.

او تاکید کرد، مساله بسیار مهم دیگر اینکه چون افغانستان هنوز در محراق توجه جامعه جهانی قرار دارد و مقامات بلندپایه اکثر کشورهای دنیا همواره به افغانستان سفر می‌کنند؛ بنابراین پیامی را که رییس‌جمهور افغانستان باید به

ولسمشر خپل نوماند ته ...

گاونډي هېوادونه لکه، چين روسيه، پاکستان او ايران علاقمندي نه لري، ورته د شک په سترگه گوري او ورسره مخالفت کوي.

ښاغلي کوهستاني وويل، دا چې امريکا او چين سره اختلاف لري او ولسمشر کرزی د دې لپاره چې په واک کې د پاتې کېدو لپاره او يا هم د خپل نوماند د ملاتړ جلبولو لپاره د امريکا پر وړاندې چين ځي.

نوموړی زياتوي، ولسمشر کرزی غواړي په راتلونکيو ټاکنو کې د خپلې خوښې وړ نوماند ته د چين، روسيې، ايران او پاکستان ملاتړ خپل کړي او هم له امريکا سره د امنيتي تړون پر سر ورسره په يوه ډول مشورې تر سره کړي.

د سياسي چارو د ده شنناند په خبره، له بده مرغه يوشمېر هغه گاونډي هېواونه چې له اقتصادي او پوځي پلوه کوچني دي تل په افغانستان کې ستر دريځ لري او حضور يې رسنډيو ته محسوس دی؛ خو چين د ولسمشر کرزي د دولت په گډون د افغانستان له مشرانو او رهبرانو سره نېرېدې او قوي اړيکې لري، په افغانستان کې سترې اقتصادي پروژې لري او په سترو پروژو د پانگونې لپاره لکه د مس عينک او نورې، لېواله دي.

هغه وايي، سره له دې چې په افغانستان کې د چين رول خلکو ته ډېر محسوس او روښانه نه دی خو دی په افغانستان کې د چين غير محسوس رول ډېر پياوړی بولي.

ښاغلی جاوېد کوهستاني زياتوي، چين د نړۍ دويم ستر اقتصادي هېواد دی، له افغان سوداگرو سره پياوړې اړيکې

می‌گويد که برگزاری نشست علمای جهان در کابل، هیچ‌گونه نقش مثبت در قبال آوردن و تأمین صلح نخواهد داشت.

او افزود: «تنها ریشه‌های تروریسم و بنیادگرایی حرف دینی و مسایل عقیدتی نیست، بسیاری از موضوعات پیچیدهٔ دیگری هم وجود دارد که به اندازهٔ تأثیر‌گذاری موضوعات دینی، این مسایل نیز تأثیر‌گذار بوده است.»

او می‌گوید، به گونهٔ نمونه، عمده‌ترین مسایل تداوم بحران در وزیرستان و نوار مرزی افغانستان اختلافات قومی و ساختارهای حاکم و غیر حاکم در منطقه است که از آن به عنوان ابزار در سالیان گذشته و حال استفاده می‌شود.

آقای کوهستانی هم‌چنان می‌گوید، حکومت افغانستان می‌داند که اختلافات ملاعمر و امارت طالبان یک اختلاف کاملاً ایدئولوژیک نیست، عمده‌ترین اختلاف و بستر درگیری‌ها اختلافات درانی‌ها و غلجایی‌ها است که در طول تاریخ گذشتهٔ افغانستان تا امروز ادامه داشته و پاکستان همواره از این اختلافات سود برده است.

این آگاه امور تأکید می‌کند، حکومت افغانستان خود علاقهٔ برای آوردن صلح و انجامِ گفت‌و گو ندارد و این جنگ ادامه خواهد داشت.

آقای کوهستانی افزود، در شرایطی که در آستانهٔ انتخابات و امضای پیمان امنیتی با امریکا هستیم، حکومت می‌خواهد با برگزاری چنین نشست‌هایی چهرهٔ دیگری از خود به دنیای اسلام نشان بدهد و بگوید که این حکومت از وقار زیادی در میان علمای جهان اسلام برخوردار است.

همچنان، محمد علم ایزدیار معاون مجلس سنا با بیان این‌که علما حتا از حکومت‌ها هم بیشتر تأثیر گذار هستند، گفت: «ما در چند سال گذشته بارها از حکومت خواسته بودیم که با دعوت از علمای کشورهای اسلامی نظریات آن‌ها را در قسمت حل مشکلات و بحران در کشور داشته باشند و آرزو داریم این نشست در زمینهٔ معرفی اسلام واقعی برای کشورهای دیگر نقش داشته باشد.»

او افزود، حکومت در جریان سال‌های گذشته فرصت‌های

جامعه جهانی در این اجلاس انتقال می‌داد، قبلاً و در طول کنفرانس‌هایی که در مورد افغانستان برگزار شده است، انتقال داده است.

صیقل دلیل سفر کرزی به چین را بررسی چالش‌های مس عينک دانسته گفت، بخشی از صحبت‌های این سفر به چالش‌هایی که در رابطه به استخراج مس عينک لوگر میان افغانستان و چين به وجود آمده، ارتباط پیدا می‌کند.

وی دلیل دیگر سفر کرزی به چين را تحولاتی پس از ۲۰۱۴ دانسته افزود، تحولاتی که پس از ۲۰۱۴ در افغانستان به وجود خواهد آمد تاثیراتی در منطقه نیز خواهد داشت؛ بنابراین برای چين فوق‌العاده مهم است که در مورد افغانستان پس از ۲۰۱۴ فکر کند.

او تأکید کرد، از سوی دیگر چون چين سازمان همکاری‌های شانگهای را به همراه روسیه به طور مشترک رهبری می‌کند و این سازمان یک سازمان نیمه امنیتی و نیمه اقتصادی

زیادی را از دست داد؛ اگر این نشست‌ها در زمانی که دوباره طالبان آغاز به فعالیت کردند، صورت می‌گرفت، نتایج بسیار خوبی را به بار می‌آورد.

او با اشاره به سخنان اخير استاد سیاف که انتحار و اعمال طالبان را حرام و مخالف آموزه‌های دینی گفته بود، می‌گوید: مردم افغانستان انتظار دارند تا علمایی که در این چنین نشست‌ها حضور می‌یابند، تصامیم صریح و واضح در قبال مسایل داشته باشند.

قاضی نذیر احمد حنفی عضو شورای علمای افغانستان و یکتن از اشتراک‌کننده‌گان نشست روز گذشتهٔ علمای جهان اسلام در کابل به روزنامهٔ ماندگار گفت، علما باید در تلاش این باشند که کشورهای اسلامی را از بحرانی که در این کشورها وجود دارد، نجات بدهند.

او با اشاره به نشست علمای جهان اسلام در کابل، افزود: «در این نشست، جمعی از علمای جهان و افغانستان حضور داشتند و همه با یک صدا می‌گفتند که مسلمان‌ها باید بین خود مصالحه کنند و این مصالحه یک فریضه است.»

قاضی حنفی همچنان گفت، علمای شرکت‌کننده در این نشست بیان داشتند جنگی که در افغانستان و در مقابل نظام توسط طالبان جریان دارد، مشروع نیست و طرف‌ها باید بشنینند و مذاکره کنند.

گفتنی است که شورای عالی صلح افغانستان در همکاری با شورای سرتاسری علمای افغانستان و سازمان همکاری کشورهای اسلامی (IOС) ، کنفرانس بین المللی علمای جهان اسلام را زیر عنوان «اسلام و صلح» در کابل برگزار کرد.

در این کنفرانس یک روزه علاوه بر تعدادی از علما، بزرگان، متخصصین امور دینی کشور، عالمان، رهبران دینی و مذهبی بیشتر از ۲۴ کشور اسلامی منطقه و جهان اشتراک نموده بودند.

هدف اصلی از برگزاری این کنفرانس، عمدتاً بحث و تبادل نظر روی مشکلات و چالش‌های امروز مسلمانان به‌صورت کُل و مردم افغانستان به‌صورت خاص می‌باشد.

است و هند، پاکستان، ایران و افغانستان عضو ناظر این سازمان هستند؛ بنابراین شاید چینی‌ها به این فکر باشند که پس از ۲۰۱۴ سازمان شانگهای برای افغانستان چکاری کرده می‌تواند.

صیقل، از تماس‌های چين با گروه اپوزيسيون افغانستان نیز خبر داده گفت، چون دورهٔ حکومت حامد کرزی در حال تمام شدن است و افغانستان انتخابات پیش روی دارد؛ بنابراین کشور چين نه تنها با دولت افغانستان بل با گروه اپوزيسيون نیز در تماس است.

وزارت خارجهٔ کشور چين از دیدار حامد کرزی از کشور چين خبر داده گفته که قرار است ریيس‌جمهور افغانستان از ۲۵ الی ۲۷ ماه سپتامبر سال روان برای مدت چهار روز از چين دیدار کند.

گفتنی است که حامد کرزی در جریان سفر خود در مراسم افتتاح مجمع اقتصادی اروپا و آسیا نیز شرکت خواهد کرد.

ځای نشي نیولی؛ د سولې په برخه کې چين تل له افغانستان نه خپل ملاتړ اعلان کړی خو عملي ښکېلتيا نه غواړي او په کار ده چې لومړی له امريکا سره ستراتېژيک امنيتي تړون لاسليک شوی وای.

استاد فاروق بشر وويل، ولسمشر غواړي چې له چين، روسيې او نورو سيمه یيزو هېوادونو نه قناعت او ملاتړ خپل کړي او هم دا ډاډ تر لاسه کړي چې له افغانستان نه په پوځي او اقتصادي ملاتړ سره پرېنږدي چې افغانستان بيا د ترهگرو په ځالي بدل شي او نه هم ورته د گاونډيانو له لوري گواښ پېښ شي.

با خروج ناتو اوضاع...

پس از خروج سربازان خارجی از افغانستان به تاجیکستان و روسیه سرایت کند اظهار داشت: کشورهای سازمان پیمان امنیت مشترک توافق کردند تا طرحی را به منظور حفاظت از مرز با افغانستان تدوین کنند. ما در این راستا کمک‌های گروهی بیشتری برای تاجیکستان تأمین خواهیم کرد تا مرز مشترک تاجیکستان با افغانستان را تقویت کند.

بیشتر سربازان مرزیانی روسیه اقدام گشت زنی در مرز تاجیکستان با افغانستان می‌کردند اما در سال ۲۰۰۵ این کشور را ترک کردند. از جمله کشورهای سازمان پیمان امنیت مشترک قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان و بلاروس هستند. تاجیکستان قزاقستان و قرقیزستان کشورهای مسلمان هستند و ازبکستان و ترکمنستان نیز اگر چه عضو سازمان پیمان امنیت مشترک نیستند با افغانستان هم مرز

نخستین کنفرانس بین‌المللی...

معلوماتی گفت که در ده سال گذشته در این عرصه حدود دو میلیارد دالر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی صورت گرفته است. وی گفت که افغانستان در ده سال گذشته در این عرصه به اندازه‌یی پیشرفت کرده که کشورهای منطقه در چندین دهه به آن دست یافته‌اند.

آقای خلیلی، پیشرفت در عرصه مخابرات و فناوری معلومات را برای پیشرفت اقتصادی کشور مهم خواند.

آقای سنگین می‌گوید که اکنون بیست میلیون نفر در افغانستان تلفن دارند و نزدیک به ۹۰ درصد این کشور زیر پوشش خدمات مخابراتی قرار گرفته است.

او می‌گوید که متباقی ساحات در این کشور به دلیل ناامنی از خدمات مخابراتی محروم مانده‌اند.

به گفته وی، هشتاد درصد زنان افغانستان نیز تلفن دارند که تلفن ۴۸ درصد آنها شخصی و تلفن ۳۲ درصد آنها شریک با یکی از اعضای خانواده است.

وزیر مخابرات افغانستان گفت که دولت افغانستان با تهیه سیاست‌گذاری‌ها، قوانین و سیستم مناسب برای جذب سرمایه گذاری‌های خصوصی، توانسته این موفقیت‌ها را به دست آورد. با این وجود بیشتر مردم از بلند بودن نرخ مکالمات تلفنی در افغانستان شکایت دارند.

او همچنین از رشد رسانه‌ها در افغانستان به عنوان دستاورد دولت در عرصه مخابرات و فناوری معلومات یاد کرد.

به گفته وی، اکنون در افغانستان، ۳۴ تلویزیون سراسری، ۵۲ تلویزیون محلی، ۶۱ رادیوی سراسری و ۱۵۶ رادیوی محلی فعال است.

بیش از دو میلیون مشتری اینترنت

وزیر مخابرات افغانستان می‌گوید که اکنون در افغانستان بیش از دو میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کنند.

او پیشرفت در بخش خدمات اینترنتی در افغانستان را کافی نمی‌داند و می‌گوید که بلند بودن قیمت اینترنت مهم‌ترین دلیل این مشکل است.

آقای سنگین امیدوار است که با تکمیل شدن پروژه فایبر نوری در افغانستان مشتریان اینترنت در افغانستان بیشتر و قیمت خدمات اینترنتی کمتر شود.

به گفته وی، دولت افغانستان تا کنون حدود صد میلیون دالر در پروژه فایبر نوری سرمایه گذاری کرده است.

علما سکوت‌شان را در...

با افغانستان برای رسیدن به صلح پایدار تأکید کرد.

وی افزود: ما از طرف‌های درگیر جنگ می‌خواهیم بگذارند مردم افغانستان مشکلات خود را از طریق تفاهم حل کنند.

عبدالرب رسول سیاف از رهبران جهادی و عضو مجلس نماینده‌گان نیز بار دیگر از گروه طالبان انتقاد کرد و گفت : طالبان برای بدنام کردن مجاهدین و اسلام می‌جنگند.

استاد سیاف افزود: «آن‌هایی که در افغانستان می‌جنگند، طرف اصلی نیستند بلکه آن‌ها مسکین‌ها و جاهل‌هایی هستند که هیچ معلوماتی از دین اسلام ندارند، آنها مطلق جاهل هستند. کسانی که با ما می‌جنگند در پشت پرده هستند. آن‌ها این افراد را تریبه می‌کنند.»

آقای سیاف افزود: کسانی که دست به خود کشی می‌زنند فکر می‌کنند که بهشت می‌روند؛ اما دروازه‌های جنت به روی این افراد مسدود است. سیاف به علمای جهان اسلام خطاب کرد و گفت که نیروهای خارجی با رای تمام کشورهای عضو ملل متحد به شمول کشورهای اسلامی به افغانستان آمده اند.

او گفت: «در حالی که هیچ یک از کشورهای اسلامی عضو ملل متحد در هنگام رای دادن با حضور نیروهای خارجی در افغانستان مخالفت نکردند، پس چرا حالا مردم این کشور قربانی می‌شوند و بنام اسلام هر روز در افغانستان خون‌شان ریختانده می‌شود؟»

آقای سیاف همچنان اضافه کرد که مردم افغانستان در برابر بزرگترین قدرت کمونیستی ایستادند و آن‌ها را شکست دادند، اما حالا در برابر همین مردم بنام اسلام جنگ جریان دارد.

این نشست یک روزه با عنوان «اسلام و صلح » با حضور علمای دینی از بیست وچهار کشور اسلامی و منطقه از جمله ایران و پاکستان برگزار شد .

هدف از برگزاری این نشست، بحث و تبادل نظر درباره مشکلات و چالش های مسلمانان و مردم افغانستان ازجمله جنگ و خشونت اعلام شده است.

هستند.

رییس‌جمهوری روسیه هشدار داد، افغانستان بعد از خروج نیروهای ناتو از این کشور در سال آینده با افزایش میزان قاچاق مواد مخدر و تشدید اقدامات تروریستی مواجه خواهد شد.

بر اساس بیانیه‌یی که کلاخ کرملین منتشر کرد، پوتین در شهر سوچی روسیه به خبرنگاران گفت: متأسفانه شواهدی وجود دارد که بر اساس آن یش‌بینی می‌کنیم قاچاق مواد مخدر و فعالیت گروه‌های تندرو بعد از خروج ناتو از افغانستان افزایش خواهد یافت.

نیکولای بورویوگا، دبیرکل سازمان پیمان امنیت جمعی نیز به اینترفاکس گفت، اعضای این پیمان به جای اعزام نیروهای بیشتر به تاجیکستان، کمک‌های مالی و مادی در اختیار این کشور قرار می‌دهند.

پیامدهای کشتار غیر نظامیان

روزنامه نیشن



بهترین توصیف دربارهٔ چالش‌های نظامیان ناتو در رابطه با تلفات غیر نظامیان در افغانستان را جنرال استنلی مک‌کریستال، فرمانده پیشین نیروهای خارجی در این کشور، ارائه کرد، وقتی که گفت: "ما به دلیل تلفات غیر نظامیان در افغانستان باعث از بین رفتن اعتبار خود در این کشور شده‌ایم. در جنگ‌ها به ویژه در جنگ‌های مبارزه با شبه نظامیان نظیر جنگ امریکا در افغانستان، اغلب گفته شده که کشتن غیر نظامیان باعث افزایش شبه نظامیان می‌شود. جنرال استنلی مک‌کریستال که در جنگ افغانستان پیشتر فرمانده نیروهای امریکایی بود، به این پدیده به عنوان "ریاضیات مقابله با شبه نظامیان" اشاره می‌کند. اگر این پدیده درست باشد، براساس بررسی خود ارتش امریکا و همچنین دفتر ملی پژوهش اقتصادی این کشور (NBER) که این مسأله را در سال ۲۰۱۰ مورد مطالعه قرار داده‌اند، امریکا از سال ۲۰۰۱ تاکنون ده‌ها هزار شبه نظامی را در افغانستان به وجود آورده است.

با بازخوانی سه کشتار هول‌ناک غیر نظامیان توسط نیروهای ناتو در افغانستان و همچنین رویه‌های اجرا شده برای جلوگیری از رخداد مجدد چنین اتفاقاتی، باید این سوال را پرسید که چرا این رویه‌ها ناکارآمد بوده‌اند؟

این در حالی است که حتی سرسخت‌ترین سیاست‌مداران و صاحب‌نظران مخالف جنگ نیز چندان به هزینه‌های جنگ که بر غیر نظامیان تحمیل می‌شود اشاره نمی‌کنند.

جنرال مک‌کریستال در سال ۲۰۱۰ اظهار داشت: من فکر می‌کنم به دلیل تلفات غیر نظامیان ما باعث از بین رفتن اعتبار خود در افغانستان شده‌ایم.

هچنین سرگرد مایکل هال که سابق بر این دستیار مک‌کریستال بوده نیز برآورد کرد که هر غیر نظامی کشته شده باعث به وجود آمدن ۲۰ شبه نظامی دیگر می‌شود.

سرگرد هال تأکید کرد: پیش از آن‌که ارتش امریکا فعالیت‌های خود را تشدید کند و خشونت‌های خود را افزایش دهد، با ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ شبه نظامی رو به رو بودیم. اما چهار سال بعد از این تشدید، این تعداد به ۳۰ تا ۳۵ هزار شبه نظامی رسیده است.

نشریه مخصوص تفنگ‌داران دریایی امریکا گزارش داد که به گفته سرگرد هال هنگامی که نیروهای ایساف تلفات غیر نظامیان را موجب می‌شود، در نتیجه آن، خشونت‌ها در منطقه حادثه در پنج ماه پس از وقوع آن، ۲۵ تا ۶۵ درصد افزایش می‌یابد.

در ماه جولای ۲۰۱۰، دفتر NBER یک بررسی را تهیه کرد که هدف آن مشخص کردن این بود که تلفات غیر نظامیان دقیقاً چه تأثیری را به دنبال دارد.

این مطالعه عنوانش این بود: "تأثیر تلفات غیر نظامیان در

بانک اطلاعاتی CIDNE با این تیم می‌توانست اجازه دهد تا به ردیابی اطلاعات دارای مختصات جغرافیایی و در سطح خرد در ارتباط با حوادث خشونت‌آمیز منتج شده به کشتار غیر نظامیان، چه به دست نیروهای امریکایی و چه توسط شبه نظامیان، بپردازند و این اطلاعات در سطح ولایت، ناحیه و روستا و با چارچوب زمانی روزانه ذخیره شده بودند. شگفت‌انگیز نبود که هیچ یک از اطلاعات دقیق به طور عمومی قابل دسترسی نبودند.

گزارش NBER نتیجه گرفت که در هر حادثه‌یی که طی آن نیروهای ایساف باعث تلفات غیر نظامیان شده‌اند، دست کم طی شش هفته آینده پس از حادثه یک درگیری خشونت‌آمیز میان شبه نظامیان و نیروهای ایساف در همان منطقه رخ داده است. این گزارش دریافت که رابطه قدرت‌مندی نیز میان تلفات غیر نظامیان و گرایش بلند مدت به استفاده از بمب‌های دست‌ساز وجود داشته است.

این گزارش تأکید کرد، اطلاعات کاملاً مطابق با این ادعا هستند که تلفات غیر نظامیان بر خشونت‌های آتی از طریق افزایش جذب نیرو به گروه‌های شبه نظامی تأثیرگذار هستند و همچنین این‌که محلی‌ها به دست نیروهای ایساف در معرض خشونت قرار می‌گیرند ظاهراً عامل اصلی این تأثیر است.

اطلاعات تحلیل شده توسط این تیم شامل ۲۱۱۸ حادثه بود که منجر به ۴۰۷۷ مورد غیر نظامی کشته شده بین جنوری ۲۰۰۹ و مارچ ۲۰۱۰ شده بودند.

رادا اینگار، یک پژوهش‌گر مدرسه علوم اقتصادی لندن که یکی از تهیه کنندگان گزارش NBER بوده است، اظهار داشت: به دنبال حوادث کشتار غیر نظامیان، چه این کشتار توسط نیروهای ایساف و چه توسط نیروهای طالبان بوده باشد، خشونت‌ها علیه نیروهای ائتلاف بیشتر می‌شوند.

وی تأکید کرد: مهم نیست که در این حوادث نیروهای ائتلاف

افغانستان و عراق. "تهیه این گزارش از سوی پژوهش‌گرانی از دانشگاه‌های پرینستون، استنفورد و مدرسه علوم اقتصادی لندن انجام شد و دگروال جوزف فلتر نیز به تهیه آن کمک کرد. فلتر طی دوران خدمت خود در افغانستان از نزدیک با جنرال مک‌کریستال و جانشینش یعنی جنرال پتریوس در تدوین راهبرد مقابله با شبه نظامیان همکاری کرد و با سربازان ناتو زمان گذاشت تا در یابد چطور تلاش‌های نیروهای ایساف وابسته به ناتو به هدف کاستن از تلفات غیر نظامیان به اجرا در می‌آید. وی به روزنامه نیشن چاپ پاکستان گفت: من همچنین در میدان جنگ تلاش می‌کردم تا فرماندهان را در خصوص تمایل مقامات ایساف در ارتباط با اجتناب از تلفات غیر نظامیان توجیه کنم.

فلتر و همچنین گروه پژوهشی NBER به لطف مایکل فلین، افسر عملیات‌های ویژه و مسوول اطلاعاتی نیروهای تحت امر مک‌کریستال که اکنون رییس آژانس اطلاعات دفاعی امریکا (DIA) است، توانستند به یک بانک اطلاعاتی بسیار محرمانه ارتش امریکا به نام شبکه تبادل اطلاعات ترکیبی (CIDNE) و همچنین یک بانک اطلاعاتی مرتبط با آن به نام سیستم گزارش حوادث عملیات‌های مشترک (JOISS) دسترسی پیدا کنند.

این در حالی است که در این بررسی‌ها مشخص شد که بانک اطلاعاتی CIDNE و بانک اطلاعاتی JOISS کامل نبودند چرا که بسیاری از حوادث مربوط به کشتار غیر نظامیان یا از زنجیره فرماندهی برای ثبت در این سیستم‌ها عبور نکرده و یا اصلاً به ارتش گزارش نشده بودند.

اما اعضای تیم پژوهشی NBER می‌گویند در بانک اطلاعاتی CIDNE به حد کافی اطلاعات وجود داشته تا بتوان نتایج مهمی درباره این‌که چطور کشتار غیر نظامیان منجر به تشدید خشونت‌ها می‌شود، گرفت.

برای این کشتار مسوول بوده باشند یا خیر. وی خاطر نشان ساخت: با توجه به آنچه که ما از فرماندهان شنیده‌ایم، روستایی‌ها می‌گویند که اگر شما خارجی‌ها اینجا نبودید طالبان نیز اقدام به خشونت نمی‌کرد بنابراین آن‌ها در هر صورت نیروهای خارجی را مقصر می‌دانند و این احساسات باعث تقویت شبه نظامیان می‌شود.

به گفته اینگار اغلب تأثیرات مربوط به تلفات غیر نظامیان محدود به همان منطقه است.

وی تأکید کرد: این گونه نیست که یک حادثه از این دست در یک روستای پشتون نشین رخ دهد و سپس همه پشتون‌ها شورش کنند.

۳۴ ولایت افغانستان به حدود ۳۹۸ منطقه تقسیم می‌شوند. در گزارش NBER، فلتر، اینگار و همکاران‌شان اقدام به مقایسه خشونت‌های منطقه وقوع کشتار غیر نظامیان با خشونت‌های مناطق همسایه که در آن‌ها کشتار غیر نظامیان رخ نداده کردند تا به برآورد تأثیر این کشتار بپردازند.

جاکوب شاپیرو، یکی از پژوهش‌گران دانشگاه پرینستون و عضو دیگر تیم پژوهشی NBER اظهار می‌دارد که براساس اطلاعات آن‌ها خشم، نفرت و احساسات مربوط به حمایت از طالبان که از طریق تلفات غیر نظامیان ایجاد می‌شوند، بلند مدت خواهند بود. به گفته وی این تأثیر ۱۴ هفته طول می‌کشد تا از بین برود.

شاید صریح‌ترین و مختصرترین توضیح اینکه چرا جنگ در افغانستان در حال شکست است سهواً از سوی جنرال مک‌کریستال در اول اکتبر ۲۰۰۹ طی سخنرانی در نهاد بین‌المللی مطالعات راهبردی امریکا ایراد شد.

وی در این سخنرانی درباره کشتن شبه نظامیان و نه غیر نظامیان سخن می‌گفت که به گفته وی در هر دو مورد اصل ریاضیات شبه نظامی اجرا می‌شود.

مک‌کریستال گفت: یک پیچیدگی دیگر وجود دارد که مردم آن را درک نمی‌کنند اما ارتش باید آن را فرا بگیرد. من نام آن را ریاضیات مقابله با شبه نظامیان می‌گذارم. اطلاعات معمولاً به ما می‌گویند که چه تعداد شبه نظامی در یک منطقه مشخص در حال فعالیت است. بگذارید بگویم که به عنوان مثال در یک منطقه خاص ۱۰ شبه نظامی وجود دارند. به دنبال یک عملیات نظامی دو تن از آنها کشته می‌شوند. چه تعداد شبه نظامی باقی می‌ماند؟ براساس ریاضیات سنتی باید هشت تن باقی مانده باشند، اما بر اساس ریاضیات مقابله با شبه نظامیان، ممکن است دوتن باقی مانده باشند، زیرا شش شبه نظامی زنده دیگر ممکن است به خود گفته باشند: این کار برای ما خطرناک است بنابراین من می‌روم تا کار دیگری انجام دهم.

اما جنرال مک‌کریستال در ادامه می‌گوید: اما بر اساس این ریاضیات، این احتمال بیشتر است که پس از عملیات حدود ۲۰ شبه نظامی بیشتر خلق شوند، زیرا هر کدام از آن‌ها برای ما که شما کشتید یک برادر، پدر، پسر و چند دوست داشتند که لزوماً پیش خود فکر نمی‌کنند که این شبه نظامی کشته شده، به دلیل انجام کاری غلط جان خود را از دست داده است. این هم مهم نیست که شما آنها را کشتید. به طور ناگهانی پس از آن حادثه ممکن است ۲۰ شبه نظامی وجود داشته باشند و این محاسبات عملیات‌های نظامی را بسیار دشوار می‌سازد.

مک‌کریستال گفت: یک پیچیدگی دیگر وجود دارد که مردم آن را درک نمی‌کنند اما ارتش باید آن را فرا بگیرد. من نام آن را ریاضیات مقابله با شبه نظامیان می‌گذارم. اطلاعات معمولاً به ما می‌گویند که چه تعداد شبه نظامی در یک منطقه مشخص در حال فعالیت است. بگذارید بگویم که به عنوان مثال در یک منطقه خاص ۱۰ شبه نظامی وجود دارند. به دنبال یک عملیات نظامی دو تن از آنها کشته می‌شوند. چه تعداد شبه نظامی باقی می‌ماند؟ براساس ریاضیات سنتی باید هشت تن باقی مانده باشند، اما بر اساس ریاضیات مقابله با شبه نظامیان، ممکن است دوتن باقی مانده باشند، زیرا شش شبه نظامی زنده دیگر ممکن است به خود گفته باشند: این کار برای ما خطرناک است بنابراین من می‌روم تا کار دیگری انجام دهم.

اما جنرال مک‌کریستال در ادامه می‌گوید: اما بر اساس این ریاضیات، این احتمال بیشتر است که پس از عملیات حدود ۲۰ شبه نظامی بیشتر خلق شوند، زیرا هر کدام از آن‌ها برای ما که شما کشتید یک برادر، پدر، پسر و چند دوست داشتند که لزوماً پیش خود فکر نمی‌کنند که این شبه نظامی کشته شده، به دلیل انجام کاری غلط جان خود را از دست داده است. این هم مهم نیست که شما آنها را کشتید. به طور ناگهانی پس از آن حادثه ممکن است ۲۰ شبه نظامی وجود داشته باشند و این محاسبات عملیات‌های نظامی را بسیار دشوار می‌سازد.



کدام تیم آسیایی قهرمان جام جهانی ۲۰۱۴ برازیل خواهد شد؟



چهار تیم ایران، کره جنوبی، جاپان و استرالیا به صورت مستقیم به جام جهانی صعود کردند و اردن نیز برای حضور در این مسابقات باید به دیدار نماینده آمریکای جنوبی برود. «بلیچر ریپورت» در گزارشی به بررسی احتمال قهرمانی یک تیم آسیایی در جام جهانی ۲۰۱۴ برازیل پرداخته است.

تیم‌های زیادی از قاره‌های اروپا و آمریکا تاکنون نتوانسته‌اند به قهرمانی در جام جهانی برسند اما از قاره‌های دیگر تاکنون تیمی نتوانسته است به این افتخار بزرگ دست یابد. پیشینه تاریخی حضور تیم‌های آسیایی در جام جهانی به سال ۱۹۳۸ برمی‌گردد؛ جایی که هند شرقی حضور نامیدکننده در این رقابت‌ها داشت که پس از شکست سنگین ۶ بر صفر برابر مجارستان در همان بازی اول حذف شد. حضور کره جنوبی در نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۰۲ که همراه جاپان

یکی از میزبانان این رویداد بودند، یک اتفاق بزرگ برای قدرت‌نمایی فوتبال آسیا در سطح جهانی بود. آنها موفق شدند تیم‌های بزرگی چون ایتالیا و اسپانیا را شکست دهند اما در نیمه‌نهایی با یک گل مغلوب آلمان شدند تا ترمزشان کشیده شود. دیگر نمایش خوب تیم ملی کره جنوبی در جام جهانی ۲۰۱۰ بود. آنها موفق شدند در آن مسابقات به دور دوم صعود کنند اما برابر اروگوئه ناکام بودند و از گردونه مسابقات حذف شدند. جاپان نیز در جام‌های جهانی ۲۰۰۲ و ۲۰۱۰ توانست به دور دوم جام جهانی صعود کند اما در هر دو بار تیم‌های ترکیه و پاراگوئه موفق به حذف جاپان شدند. عربستان در جام جهانی ۱۹۹۴ موفق شد با

برتری برابر مراکش و بلژیک به دور دوم صعود کند اما در این مرحله برابر سوئد شکست خورد و حذف شد. استرالیا نیز در سال ۲۰۰۶ که هنوز در قاره اقیانوسیه بود توانست به دور دوم مسابقات صعود کند ولی برابر ایتالیا شکست خورد و حذف شد.

تیم‌های آسیایی در مجموع توانستند به ۱۶ پیروزی در جام جهانی دست یابند (کره جنوبی شش پیروزی، جاپان چهار پیروزی، عربستان سعودی دو پیروزی، استرالیا دو پیروزی، کره شمالی یک پیروزی، ایران یک پیروزی) که نشان از پیشرفت این قاره نسبت به قبل دارد. کدام تیم آسیایی می‌تواند قهرمان جام جهانی ۲۰۱۴ شود؟

در حال حاضر اگر یک تیم آسیایی بتواند قهرمان جهان شود، آن تیم جاپان خواهد بود. سامورایی‌های آبی در رده چهارم و دوم رده‌بندی فیفا قرار دارند و نخستین تیم راه یافته به جام جهانی بیستم هستند. کره جنوبی نیز در سال‌های گذشته پیشرفت زیادی کرده است. لیگ فوتبال این کشور در سال‌های اخیر رشد قابل ملاحظه‌یی داشته و پدیده‌های با استعدادی به فوتبال این کشور معرفی کرده است.

مدافع رایو وایکانو:

مسی حاضر نشد با من دست دهد

جنگ‌سال ساز شد. در این فیلم قبل از این‌که بازی شروع شود لیونل مسی بی‌اعتنا به یکی از بازیکنان حریف از کنار او می‌گذرد بدون آن که با او دست دهد.

خوزه رائول بائنا، بازیکن رایو وایکانو فاش کرد که مسی حاضر نشد با او دست دهد. او در گفت‌وگو با روزنامه مارکا اسپانیا گفت: درباره فیلمی که منتشر شد جنگ‌سال زیادی به پا شد. باید بگویم که این مسی بود که حاضر نشد با من دست بدهد. این موضوع اصلاً برایم مهم نیست اما سخن بعضی از افراد مرا ناراحت می‌کند. به همین خاطر تصمیم گرفتم افشاگری کنم.

هنوز هیچ مقام مسوولی از باشگاه بارسلونا حاضر نشده است درباره این فیلم جنگ‌جالی سخن بگوید. بارسلونا با پیروزی برابر رایو وایکانو ۱۵ امتیازی شد و با تفاضل گل بهتر نسبت به آلتیکو مادرید در صدر جدول رده‌بندی باقی ماند.



مدافع اسپانیایی رایو وایکانو فاش کرد مسی قبل از شروع بازی حاضر به دست دادن با او نشده است. بارسلونا در هفته پنجم لیگا موفق شد با نتیجه چهار بر صفر رایو وایکانو را در هم بکوبد و پنجمین پیروزی پیاپی خود را به دست آورد. پس از پایان این دیدار رسانه‌های اسپانیایی فیلمی را منتشر کردند که بسیار

Mandegar

نامه ارسالی محصلین افغانستانی مقیم قاهره به روزنامه ماندگار

ایدیولوژی «تجاوز» و «اغوا» طالبانی

احمد عمران



خود انجام می‌دهند، همان شیوه‌های که متقاعد کردن‌های اجباری و ایدیولوژیک است.

ایدیولوژی به باور بسیاری از اندیشمندان اگر جنبه‌های پویاگری و شورامیز دارد، ولی جنبه‌های منفی زیادی نیز می‌تواند داشته باشد. ایدیولوژی جهانی را که خود می‌سازد و رنگ‌آمیزی می‌کند، به عنوان جهان واقعی در برابر حامیان خود قرار می‌دهد. ایدیولوژی این باور را پدید می‌آورد که برای حل تمام مشکلات، نسخه‌های آماده در اختیار دارد. ایدیولوژی تلقین می‌کند که دوستان ما کی‌ها اند و دشمنان ما کی‌ها. این‌ها همه از ویژه‌گی‌های ایدیولوژی نشأت می‌گیرند که بر زمین اغواگری خود را استوار می‌سازند.

اغواگری در نهایت به کشتن و تجاوز کردن می‌انجامد؛ همان چیزی که آموزش‌دهنده‌گان حملات انتحاری نسبت به نوجوانان فراهی از خود تبارز دادند. این‌ها همان افرادی هستند که با روش‌های اغواگری، جوانان و نوجوانان این کشور را شکار هدف‌های خود می‌کنند و بعد آن‌ها را می‌کشند و یا به آن‌ها تجاوز می‌کنند.

ایدیولوژی پای‌بند مقررات و باید و نبایدهای دینی نیست؛ همان گونه که تجاوزگران به نوجوانان فراهی در بند آنچه که دین و مذهب می‌گوید، نبودند. آن‌ها به فرمان غرایز خود عمل کردند و از آن جایی که برای اعمال خود هیچ عاقبتی متصور نیستند، این گونه رفتارها در نظرشان قبیح نمی‌نماید.

اغواگری حسن و قبح رفتارها را به کلی پاک می‌کند. اما مهم این‌جاست که طالبان در برابر چنین اعمالی چه‌گونه مورد خطاب قرار می‌گیرند و چه برخوردی با آن‌ها صورت می‌پذیرد. تجاوزگران به نوجوانان فراهی، در ادبیات ارگ ریاست جمهوری «برادر» خطاب می‌شوند و آن‌هایی هم که به کرات دست به چنین اعمالی زده‌اند و به شکلی گرفتار شده‌اند، با قلم غفو همایونی از پنجه عدالت رها می‌شوند. آیا می‌توان جنایتی به این هولناکی را چنین به‌ساده‌گی بخشید و گذاشت که رهبران و فرماندهان طالبان هم چنان به اغواگری و شکار نوجوانان و جوانان ادامه دهند؟

در مورد رفتار طالبان با نوجوانانی که آن‌ها را به صفوف خود می‌کشاند تا ظاهراً در «جهاد» شان سهیم شوند، حرف و حدیث‌های زیادی گفته شده است، از جمله این‌که آن‌ها را شست‌وشوی مغزی می‌دهند و در جریان تعلیمات انتحاری، به آن‌ها تابلت‌های روان‌گردان می‌خورانند. اما تازه‌ترین مورد از رفتار طالبان، تکان‌دهنده‌ترین نوع رفتار اعضای این گروه را با چنین نوجوانان فریب‌خورده به نمایش می‌گذارد.

امنیت ملی کشور با پخش خبرنامه و گذاشتن تصاویر ویدیویی یک نوجوان در فیس‌بوک، روی دیگر سکه «جهاد طالبانی» را هم به نمایش گذاشت. این نوجوان که اهل فراه است و در شهر هرات در آستانه انجام حمله انتحاری بازداشت شده، در جریان بازجویی اعتراف می‌کند که آموزش‌دهنده‌گان انتحاری به او تجاوز کرده‌اند. این اعترافات در هر شرایطی که به دست آمده باشد، چهره دیگری از طالبان را نشان می‌دهد؛ همان چهره‌هایی را که هر سازمان ایدیولوژیکی می‌تواند داشته باشد.

سازمان‌های ایدیولوژیکی که به قصد تصاحب قدرت برمی‌خیزند، از تمام راه‌های ممکن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. جذب افراد و به ویژه نوجوانان به هر شکلی که صورت گیرد، تنها یک نام می‌تواند داشته باشد؛ اغوا.

اغواگری به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد و هدف‌های معینی را دنبال می‌کند. اما کلیت اغوا می‌تواند واحد باشد. کلیت آن برمی‌گردد به نفوذ بر دیگران به هدف استخدام آن‌ها در بازی‌های قدرت. نازی‌ها در آلمان و استالین‌ها در شوروی سابق، حامیان خود را اغوا می‌کردند. ایدیولوژی‌هایی را که هیتلر و استالین از آن استفاده می‌کردند، عناصر نیرومند و مرعوب‌کننده اغواگری را در خود نهفته داشتند. این نمادهای اسطوره‌یی اغواگری، از راه‌های سخنرانی و سلطه زبانی حامیان خود را به همان بیماری‌یی مبتلا می‌کردند که از انواع تابلت‌ها و داروهای روان‌گردان می‌توان انتظارش را داشت. رولان بارت نشانه‌شناس و منتقد ادبی بزرگ فرانسه، در مورد زبان با بدبینانه‌ترین الفاظ می‌گفت: «زبان نه مرتجع است، نه مترقی؛ [بلکه] صاف و ساده فاشیست است.» همین بعد مرعوب‌کننده و اغواگر زبان سبب می‌شد که رولان بارت در برابر آن چنین موضعی اتخاذ کند. او باور داشت که دستگاه‌های سلطه و قدرت از طریق زبان هدف‌های خود را توجیه می‌کنند.

اما روی دیگر سکه اغواگری، بسیار وحشت‌ناک است. اغواگری سبب می‌شود که اخلاق در تمام سطوح واپس زده شود و جای آن را تنها میل و ارضا پُر کند. اغواگری همان‌گونه که قربانی می‌طلبد، اغواگران را نیز قربانی می‌کند. آن‌چه را که طالبان با افراد زیر نفوذ

سلام به همه دست‌اندرکاران روزنامه وزین ماندگار! این نامه از طرف محصلین افغان مقیم قاهره برای شما ارسال شده است. اگر این نامه را در یکی از شماره‌های‌تان نشر کنید، بدون شک کمک زیادی به محصلین افغان در مصر کرده‌اید؛ محصلینی که کرایه موتر ندارند تا به دانشگاه بروند.

وزارت تحصیلات عالی و معارف جمهوری اسلامی افغانستان!

طوری که که شما در جریان هستید، مدت ۷ ماه قبل به تعداد ۱۴۰ محصل افغان به بورسیه دولتی از طرف وزارت معارف کشور عازم مصر شدند. تا حال مدت معاشی که از طرف وزارت تحصیلات عالی برای محصلین خارج از کشور در نظر گرفته شده است، برای آن‌ها پرداخت نشده، و وقتی که با مسوولین

سفرات تماس گرفته می‌شود، می‌گویند که ما مکتوب روان کردیم اما مکتوب شما از طرف وزارت تحصیلات عالی رد شده است. سبب رد شدن آن هم این است که ما از طرف معارف آمده‌ایم و تحصیلات به دلیل مشکلاتی که با معارف دارد، این مدت معاش را رد می‌کند. در این‌جا محصلینی وجود دارند که حتا کرایه موتر ندارند که به دانشگاه بروند. روزی از یکی از دوستانم پرسیدم چرا به درس نیامدی. بیچاره در حالی که سرش پایین بود گفت که پول کرایه را نداشتیم تا به درس حاضر شوم. این در حالی است که بعد از تحولاتی که در مصر عارض شده، قیمتی به اوج خود رسیده و پولی که از طرف الازهر شریف به ما داده می‌شود بسیار کم است و نمی‌توانیم با آن خرج یک ماهه خود را پوره کنیم. بنابراین، از مسوولین مربوط محترمانه تقاضا می‌کنیم که به این مشکل رسیده‌گی کنند.

۳ میلیارد دالر هزینه خارج کردن تجهیزات ارتش امریکا از افغانستان



طبق گزارش‌ها پنتاگون امیدوار است تا تمامی تجهیزات امریکایی در افغانستان را در عرض یک سال به امریکا بازگرداند. اما هزینه آن برابر با سه میلیارد دالر خواهد بود. جاده‌های ناهموار و نبود بنادر دریایی در افغانستان بازگشت بیش از ۱/۵ میلیون قطعه تجهیزات امریکایی از جمله کامیون‌ها، رادیو، تفنگ و گلوله پشتی‌ها را که از سال ۲۰۰۱ میلادی با آغاز جنگ افغانستان در این کشور بوده‌اند، دشوار می‌سازد.

گوردون آدامز، یکی از مقامات سابق وزارت دفاع امریکا در دوران حکومت بیل کلینتون، رییس جمهوری پیشین امریکا گفت: ما تجهیزات بسیاری در افغانستان داریم. مطمئناً ما بیش از حد نیازمان تجهیزات خریداری کرده بودیم. ما همیشه وقتی به جنگ می‌رویم این اقدام را انجام می‌دهیم.

اما وی افزود، سه میلیارد دالر هزینه جابه‌جایی این تجهیزات با توجه به اینکه چه تعداد هواپیما، قطار، قایق و کامیون برای تحقق این امر استفاده خواهند شد، نسبتاً ارزان است. سفر هوایی گران‌ترین سفر محسوب می‌شود.

در سال جاری میلادی بیش از ۳۰۰ پایگاه نظامی امریکا در افغانستان بسته شده و تجهیزاتی به ارزش ۱۱ میلیارد دالر تاکنون به امریکا بازگردانده شده‌اند. اما همچنان گزارش می‌شود که وزارت دفاع امریکا ماهیانه حدود شش میلیارد دالر در افغانستان هزینه می‌کند.

اما تجهیزاتی به ارزش هفت میلیارد دالر به متحدان امریکا فروخته و یا به دولت افغانستان تحویل داده خواهد شد و یا به خاطر فلزاتشان به حراج گذاشته می‌شوند. تقریباً ۶۰ هزار نیروی امریکا همچنان در افغانستان حضور دارند که قرار است تا پایان سال آتی به کشورشان بازگردند.

سیاسی شناندی:

ولسمشر خپل نومانده ته د چین او روسیې ملاتړ خپلوي



کسانو ته یو پیغام وي چې له ولسمشره ملاتړ کوي. ده چین ته د ولسمشر کرزي سفر ته په اشارې وویل، دا چې افغانستان له امریکا سره د امنیتي تړون پر سر خبرې او بحثونه پیل کړي، په افغانستان کې د امریکا د حضور او پوځي اوو په اړه یوشمېر سیمه ییز او... پاتې ۶۰۰

د نړۍ اکثریت مشران ورته راځي او په مهم کلیدي سیمه ییزو او نړۍ والو مسایلو په کې بحثونه کېږي. هغه وایي، ښایي د دې کار لامل ښایي د ولسمشر کرزي د واک پای ته رسېدل وي. نوموړي دې غونډې ته د زلمي رسول د استولو په اړه زیاته کړه، دا چې د بهرنیو چارو وزیر زلمي رسول د ولسمشر کرزي د ځایناستي او په راتلونکيو ټاکنو کې د نوماندۍ لپاره د ولسمشر ملاتړ خپل کړی؛ نو ښایي دې غونډې ته د هغه ورتگ هغو

وروسته له هغې چې د ولسمشر کرزي او روسي ولسمشر ولادیمیر پوتین تر منځ په لیدنه کې ولسمشر کرزي د خپل نوماند یادونه کړې وه، دا ځل ولسمشر کرزي چین ته په سفر روان دی. د سیاسي چارو شنناندی وایي، چې ولسمشر کرزي غواړي په راتلونکيو ټاکنو له خپل نوماند نه د چین، روسیې، ایران او پاکستان هېوادونو ملاتړ خپل کړي.

ولسمشر کرزي نن له یوه کلن څنډه وروسته چین ته په یوه څلور ورځني سفر ځي. که څه هم چې د سفر اجنډا یې لا پوره روښانه نه ده؛ خو ولسمشر هڅه کوي، د ځواکمنو هېوادونو ملاتړ تر لاسه کړي.

د سیاسي چارو شننونکي جاوېد کوهستاني ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، دا مهمه ده چې ولې ولسمشر کرزي د ملگرو ملتونو په عمومي کلنۍ غونډه کې برخه وانخیسته، چې

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰